

لویی کاستالدی، پزشک جراح دربار و قونسول دولت قاجار در میلان، به روایت اسناد
(۱۳۲۰-۱۳۲۹ ق. ۱۹۰۲-۱۹۱۱)

دکتر محسن بهرام نژاد

چکیده

لویی کاستالدی، پزشکی ایتالیایی است که طی سال‌های ۱۲۹۳-۱۳۲۰ ق. ۱۸۷۶-۱۹۰۲، به‌عنوان معلم طب در دارالفنون، و نیز در مقام پزشک مخصوص و جراح، به‌استخدام دولت و دربار قاجار درآمد. سپس، طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۹ ق. ۱۹۰۲-۱۹۱۱، به‌سمت قونسول رسمی ایران در میلان منصوب شد. از فعالیت‌های پزشکی کاستالدی در ایران، به‌جز اطلاعات پراکنده، گزارش مبسوطی در دست نیست؛ اما ۵۳ برگ سند اداری، در آرشیو وزارت امور خارجه و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، وجود دارد که مبین فعالیت‌های ۹ ساله او در سمت قونسولگری است. چگونگی انتخاب و انتصاب کاستالدی در سمت قونسولگری میلان، نمایندگی وی در نمایندگی بین‌المللی کالا در میلان، رد پیشنهاد نمایندگی دولت ایران از سوی کاستالدی برای شرکت در کنگره بین‌المللی بیماری سل و نمایندگی طبیبی روم، مجادلات و اختلافات او با دولت‌های پس از مشروطیت- به‌واسطه عدم پرداخت حقوق و مقرری وی که از سوی مظفرالدین‌شاه وضع شده بود- از اهم مسائلی است که در این اسناد مطرح شده‌اند. پژوهش حاضر، با رویکرد تحلیلی، به بررسی این موارد، در دو بستر تاریخی قبل و بعد از مشروطیت می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

لویی کاستالدی / پزشک جراح / قونسول، میلان / اکسپوزیسیون / دعاوی حقوقی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و یکم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۰)، ۸۶-۵۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۱۹ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۲۵

لویی کاستالدی، پزشک جراح دربار و قونسول دولت قاجار در میلان، به روایت اسناد (۱۳۲۰-۱۳۲۹ق. / ۱۹۰۲-۱۹۱۱)

دکتر محسن بهرام نژاد^۱

مقدمه

تأسیس مدرسه دارالفنون، در عهد ناصری، از یک سو سرآغاز یک رویداد مهم فرهنگی در تاریخ ایران بود؛ و از سوی دیگر، به جهت گسترش مناسبات فکری و فرهنگی با ملل مغرب زمین، موجب ورود و استخدام جمع کثیری از مهندسان، طبیبان، نقاشان، و معلمان فرنگی شد، که در همان کانون علمی به استخدام درآمدند و متعلمان ایرانی را با دانش و علوم جدید غرب آشنا ساختند. یکی از این معلمان، که موضوع پژوهش حاضر است، لویی کاستالدی^۲ ایتالیایی است که ابتدا در سال ۱۲۹۳ق. ۱۸۷۶، به عنوان پزشک به استخدام دارالفنون درآمد، و سپس در ۱۳۰۰ق. ۱۸۸۲، به مجموعه پزشکان دربار قاجار دعوت شد و مدت بیست سال پزشک مخصوص و جراح دربار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار بود؛ و سرانجام مطابق فرمان مظفرالدین شاه در ۱۳۲۰ق. ۱۹۰۲ رسماً به سمت قونسول ایران، در میلان ایتالیا، منصوب شد و تا ۱۳۲۹ق. ۱۹۱۱ در این مقام مشغول به خدمت بود.

در نگاه نخست، چنین می نماید که درباره چهار دهه فعالیت و همکاری کاستالدی با دولت قاجار، باید اطلاعات قابل توجهی در مکتوبات آن دوره انعکاس یافته باشد. اما تلاش و جستجو در این مورد بی فایده است، و اسناد موجود، عموماً، خالی از آگاهی های غنی و روشنگرانه می باشند. جست و جو در منابع ایتالیایی نیز تا آنجا که برای نگارنده میسر شد، ثمری نداشت. تنها منبعی که تا اندازه ای این خلأ را پوشش می دهد ۵۳ برگ سند است که به گوشه هایی از فعالیت ها و حیات کاستالدی اشاره دارند، و در حال حاضر ۲۸ برگ این

۱. استادیار گروه تاریخ و
تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین المللی
امام خمینی قزوین.
bahramnejad1345@yahoo.com

2. L.Castaldi

مجموعه، در اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، و ۲۵ برگ دیگرش در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگاه‌داری می‌شوند. این مکاتیب طی سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۹ق. / ۱۹۰۲-۱۹۱۱ میان حوزه‌های وزارت امور خارجه، سفارت ایران در روم، قونسولگری ایران در میلان، سفارت ایتالیا، سفارت آلمان در تهران، وزارت مالیه، اداره گمرک، وزارت داخله، و مجلس وزراء عظام مبادله شده که مستقیماً با نام کاستالدی ارتباط یافته‌اند. چگونگی انتخاب و انتصاب کاستالدی در سمت قونسولگری میلان، نمایندگی وی در نمایندگانه بین‌المللی کالا در میلان، رد پیشنهاد نمایندگی دولت ایران از سوی او برای شرکت در کنگره بین‌المللی بیماری سل و نمایندگانه طبی روم، و مجادلات و اختلافات او با دولت‌های پس از مشروطیت - به واسطه عدم پرداخت حقوق و مقرری وی که از سوی مظفردین‌شاه وضع شده بود - از اهم مسائلی است که در این اسناد مطرح شده‌اند. مسائل فوق، برآمده از این پرسش اصلی است که این اسناد، روایتگر چه نوع تلاش‌ها و اتفاقاتی است که با حیات کاستالدی ارتباط یافته است؟ آنچه در پژوهش حاضر از نظر خوانندگان می‌گذرد، پاسخی است به همان پرسش، که ضمن توجه و استفاده از تکنواری‌های به‌جای مانده از عهد قاجار، کوشش شده با شرح و تحلیل محتوایی اسناد موجود، روایت درست و واقع بینانه‌ای از شخصیت و فعالیت‌های کاستالدی ارائه دهد، که تنها ناظر بر بخش کوتاهی از حیات اوست.

فعالیت‌های پزشکی کاستالدی در ایران

لویی کاستالدی، پزشکی ایتالیایی بود که در عهد ناصرالدین‌شاه به ایران آمد و به طبابت مشغول شد. وی قبل از ورود به ایران، به همراه چند پزشک ایتالیایی، در بیمارستان قسطنطنیه خدمت می‌کرد. کاستالدی، و سایر پزشکان ایتالیایی همانند جیرو لامو^۱ و گابوزی^۲، در مدتی که در قسطنطنیه اقامت داشتند، هنگام شیوع بیماری‌های مسری، مانند حصبه و وبا و طاعون، که اغلب در ایران شایع می‌شد، برای درمان بیماران به این سرزمین آمده و خدمات ارزنده‌ای انجام می‌دادند (مونته، ۱۳۳۸، ص ۴۲۸). محتوای یک سند تاریخی نشان می‌دهد که کاستالدی از ۱۲۹۳ق. ۱۸۷۶، به عنوان معلم طب، به استخدام دارالفنون درآمد و در ایران اقامت گزید (هاشمیان، ۱۳۷۹، صص ۲۸۰-۲۸۱؛ روستایی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۲۷۹-۲۸۰). در واقع، این سند تاریخی، معرف قراردادی است که میان دولت ایران و کاستالدی، در هفت فصل، تنظیم و منعقد شده است. کاستالدی، براساس این قرارداد و دریافت مواجب سالیانه هشتصدتومان، وظیفه داشت طب اروپایی را به متعلمین ایرانی آموزش دهد. مدت این قرارداد سه سال بود و کاستالدی تعهد داشت در مدتی که در ایران اقامت دارد به قوانین این سرزمین احترام بگذارد (روستایی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۲۷۹-۲۸۰).

1. G.Lamo
2. Gabozi



در همان سال، در شهر تهران، بیماری دیفتری شیوع پیدا کرد و برای مقابله با این بیماری، شورای بهداشتی، به ریاست شاهزاده اعتضادالسلطنه، تشکیل گردید. کاستالدی، در این زمان، به همکاری با آن شورا دعوت شد و سپس مسئولیت بهداشت شهر تهران به او واگذار گردید. وی، برای مهار کردن ویروس دیفتری تشکیل یک قرنطینه منظم را پیشنهاد داد تا با ارائه خدمات به موقع و منسجم، از پیشرفت آن بیماری جلوگیری به عمل آید (الگود، ۱۳۸۶، ص ۵۷۲). یک سال بعد، با انتشار طاعون در عراق، ویروس آن از طریق مرزهای غربی وارد ایران شد. این بیماری، به سرعت، در مناطق جنوبی ایران انتشار یافت، به طوری که فقط در شوشتر تعداد تلفات آن بالغ بر ۱۸۰۰ نفر بود. در این زمان، انگلیسی ها، برای جلوگیری از انتقال این بیماری به هند، کمیسیون مخصوصی از پزشکان فرنگی و ایرانی تشکیل دادند که کاستالدی، از سوی دولت ایران، به عنوان یکی از اعضای آن کمیسیون معرفی و برگزیده شد (الگود، ۱۳۸۶، ص ۵۷۳).

صرف نظر از این نوع مسئولیتها، که مبین همکاری و خدمات کاستالدی در مقاطع اضطراری در ایران است، باید اشاره کرد که مدت همکاری کاستالدی با مدرسه دارالفنون دقیقاً معلوم نیست. با وجود این، مطابق گزارشی که از سرشماری سال ۱۳۰۴ ق. ۱۸۸۶ باقی مانده و مربوط به آمار اتباع اروپایی ساکن در شهر تهران است، از دکتر کاستالدی تنها به عنوان پزشک سفارت ایتالیا نام برده شده است، نه معلم طب در دارالفنون (آزاده، ۱۳۵۷، ص ۱۹). این طبیب ایتالیایی، ظاهراً بعد از سال ۱۳۰۴ ق. ۱۸۸۶، به امر ناصرالدین شاه، به منظور درمان و مراقبت از ولیعهد از تهران راهی تبریز شد تا در دربار مظفرالدین میرزا مقیم شود. اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۶ ق. ۱۸۸۷ کتاب المآثر والآثار را به اتمام رسانیده و در انتهای آن و در ذکر طبقه اطباء «دربخانه حضرت مستطاب والا» در تبریز، از دکتر کاستالدی به عنوان طبیب فرنگی مقیم آنجا یاد می کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲۴). ژنرال گوردون انگلیسی نیز در سفرنامه خود به این مطلب اشاره دارد و می نویسد که ناصرالدین شاه سه نفر پزشک به نامهای میرزا محمودخان حکیم باشی، دکتر ادکاک^۱ انگلیسی، و دکتر کاستالدی ایتالیایی را مأمور کرد تا در تبریز اقامت کنند و برای مراقبت از مظفرالدین میرزا، ولیعهد، که از کودکی از سلامت کامل و بنیه نیرومند برخوردار نبود در دربار وی حضور داشته باشند (به نقل از: طاهری، بی تا، ص ۵۶۱). وی تا سال ۱۳۱۳ ق. ۱۸۹۵ در تبریز طبابت می کرد، و سرانجام، بعد از قتل ناصرالدین شاه، در ذیقعه همان سال، به همراه مظفرالدین میرزا از تبریز به تهران آمد، و پس از جلوس مظفرالدین شاه بر تخت پادشاهی، در سمت جراح مخصوص دربار به خدمات پزشکی خود در ایران ادامه داد. کاستالدی، در ۱۳۲۰ ق. / ۱۹۰۲، و کمی پیش از سفر دوم مظفرالدین شاه به اروپا، به دلیل کهولت سن و ضعف مزاج

1. Edcock

از سمت خود استعفا داد و به کشورش ایتالیا بازگشت. او در یکی از نامه‌هایش به وزیر امور خارجه ایران، که در ۱۳۲۹ ق. ۱۹۱۱ نگاشته، آشکارا اظهار می‌کند که مدت بیست سال جراح دربار قاجار بوده است (ساکما: ۱۹، ۱۱/۴۴۸۱/۳۶۰۰۰). در این صورت، می‌توان گفت که کاستالدی تنها طی سالهای ۱۲۹۳-۱۳۰۰ ق. ۱۸۷۶-۱۸۸۲ معلم دارالفنون بوده، و در مجموع، ۲۷ سال از عمرش را در ایران سپری نموده است.

کاستالدی، پس از بازگشت به کشورش، در جمع هیئت رسمی دولت ایتالیا، که ورود مظفرالدین شاه قاجار را در ۱۳۲۰ ق. ۱۹۰۲، به شهر روم خوش آمد گفتند، حضور داشته و در قصر دوژا و سن مارک^۱ با پادشاه قاجار دیدار کرده است. مظفرالدین شاه، در این ملاقات، از طبیب و جراح سابق خود می‌خواهد تا کتاب گولیملو بر سه^۲ را، که درباره تاریخ روابط ایران و ونیز بود به فرانسه ترجمه کند. کاستالدی هم این مسئولیت را پذیرفته و تنها بخشی از آن کتاب را، که شامل تاریخ مناسبات سیاسی ایران و ونیز در سده‌های پانزده تا هجده میلادی است، شروع به ترجمه نموده، و سرانجام آن را در تاریخ ۳ مارس ۱۹۰۴/۱۳۲۲ ق. در شهر میلان به پایان می‌رساند (مؤدب الملک، برگ ۳۸). امروزه، متن ترجمه فرانسوی این کتاب موجود نیست، اما نسخه‌ای از ترجمه فارسی و خطی کتاب، که به امر مظفرالدین شاه و توسط یوسف خان مؤدب الملک انجام گرفته و در ربیع الاول همان سال به اتمام رسانیده، موجود است. این نسخه، در حال حاضر، در کاخ موزه گلستان به شماره ۸۱۴ نگاهداری می‌شود (آتابای، ۲۵۳۶، ج ۳، صص ۱۶۷-۱۶۹). لازم به ذکر است که جدای از این اقدام فرهنگی، که به کاستالدی منسوب است، در هیچ اثر دیگری در منابع فارسی به نام وی اشاره نشده است.

کاستالدی، قونسول رسمی ایران در میلان

کاستالدی، در ملاقاتی که با مظفرالدین شاه در قصر سن مارک داشت، بار دیگر مورد توجه خاص وی قرار گرفت و ظاهراً در همین ملاقات، پادشاه قاجار سمت قونسولگری ایران در میلان را به او پیشنهاد داد، و براساس نام‌های که در ۱۲ صفر ۱۳۲۰/۱۹۰۲ از روم به وزیر امور خارجه وقت، نصرالله خان مشیرالدوله، نوشته شده چنین برمی‌آید که کاستالدی از این پیشنهاد استقبال نموده و پس از فاصله کوتاهی که از استعفای او در ایران می‌گذشت، مجدداً به استخدام دولت قاجار درآمده است. در این نامه، دکتر کاستالدی، به واسطه آنکه از مستخدمین عهد ناصرالدین شاه بوده، و نیز مدت‌ها در آذربایجان به طبابت اشتغال داشته، و بدین طریق، بصیرت و صداقت خود را اثبات نموده است، شایسته آن مقام شناخته شده و از این رو، از مشیرالدوله خواسته شده است که حکم او را در سمت قونسولگری میلان با مقرری هفتصد تومان در سال، که می‌بایستی از طریق سفارت ایران در روم پرداخت شود، صادر نماید. این نامه، احتمالاً

1. Doge's Palace
2. S.Marco
3. G.Berchet



توسط صدراعظم مظفرالدین شاه، یعنی میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم (امین السلطان)، که در این سفر شاه را همراهی می کرد، نوشته شده و فاقد هرگونه مهر و نشانی است. این نامه، در آرشیو وزارت امور خارجه نگاهداری می شود و متن آن بدین شرح است:

«جناب مستطاب اجل اکرم آقای مشیرالدوله دام اجلاله العالی؛

فدایت شوم، چون دکتر کاستالدی مدت ها در آذربایجان مشغول طبابت بوده و فی الضمن مستخدم اعلیحضرت قدر قدرت همایونی روحنا فداه بود، و چون خودش هم آدم درست و با بصیرت است امر اعلیحضرت قدر قدرت همایونی روحنا فداه چنان برقرار گرفت که او را در شهر میلان ایتالیا به سمت قونسولگری مستخدم نموده، و سالی هفتصد تومان برای معزی الیه مقرری برقرار نمایند. علیهذا امر نمائید که احکام او را در سمت قونسولگری به اتمام رسانند، و مقرری او را هر ساله به توسط سفارت علیه ایران در رم بر معزی الیه برسانند. زیاده زحمت نیست. فی ۱۲ شهر صفر المظفر ۱۳۲۰» (استادوخ: ۴-۱۳-۲۴-۱۳۲۰).

مشیرالدوله نیز پس از دریافت آن نامه، در ربیع الثانی همان سال، فرمان اعتبارنامه کاستالدی را صادر کرد. در این فرمان تأکید شده است که کاستالدی در انجام وظایف خود باید مطابق دستورالعمل ملکم خان، وزیر مختار و ایلچی مخصوص ایران در ایتالیا عمل کند. مشخصات این سند بدین شرح است:

وزارت امور خارجه، اداره تشریفات، سواد فرمان اعتبارنامه، مورخه شهر ربیع الثانی ۱۳۲۰، نمره ۲۰۶۵: «چون مراتب حسن نیت و شایستگی مجدت اکتناه دکتر کاستالدی در پیشگاه مرحمت دستگاه شاهانه درجه کشف و شهود رسیده بود، لهذا او را به سمت قونسولگری این دولت علیه در میلان منصوب و برقرار فرموده، و مقرر می فرمائیم که در انجام این خدمت موافق دستورالعمل جناب جلالت مآب اجل اشرف پرنس ملکم خان نظام الدوله و وزیر مختار و ایلچی مخصوص این دولت علیه در ایتالیا رفتار نموده، خاطر همایون را خشنود دارد. شهر ربیع الثانی ۱۳۲۰ (میرزا نصرالله خان مشیرالدوله)» (استادوخ: ۱-۱۰-۱۳۲۰).^۱

براساس همین فرمان، اعتبارنامه کاستالدی، برای شروع به کار، به عنوان قونسول ایران در میلان، باید توسط دولت ایتالیا به رسمیت شناخته می شد. اما ظاهراً پس از مدت تقریباً شش ماه، که از تاریخ این اعتبارنامه می گذشت دولت ایتالیا هیچ گونه پاسخی درخصوص صحت آن اعلام نمی کند. از این رو، کاستالدی، مجبور می شود نامه ای به وزیر امور خارجه ایران نوشته، و او را از این موضوع مطلع سازد. نصرالله خان مشیرالدوله نیز پس از اطلاع از موضوع، در ۱۷ شوال ۱۳۲۰ طی نامه ای، به شماره ۶۲۵، به ملکم خان، وزیر مختار ایران در رم، چنین می نویسد: «... از قراری که دکتر کاستالدی قونسول ایران در میلان نوشته است چون دولت ایتالیا هنوز تصدیق مأموریت او را ننموده است به این جهت نمی تواند کاملاً

۱. مشخصات انتهای نامه: سواد مطابق اصل است. مشخصات مهر بیضی شکل: وزارت امور خارجه، اداره تحریرات، ۱۳۲۸. با توجه به تاریخ مهر به نظر می رسد که سواد این فرمان بعدها توسط اداره تحریرات مهر شده است.



به وظیفه مأموریتی خود عمل نماید. البته جناب اشرف عالی اگر صلاح بدانند اقدامات لازم در تحصیل تصدیق او خواهید فرمود که بتواند در ازدیاد روابط صنعتی و تجارتهی بین دولتین اقدامات مجدانه بعمل آورد (نصرالله مشیرالدوله) (استادوخ: ۴۳-۱۶-۹-۱۳۲۰).

از اقداماتی که ملکم خان در این خصوص انجام داده، هیچ‌گونه گزارشی در دست نیست. همچنین، در میان مدارک موجود، گزارشی که بر استمرار و یا حل نشدن این موضوع دلالت کند، وجود ندارد. با وجود این، به نظر می‌رسد که اعتبارنامه کاستالدی، با اهتمام ملکم خان، از سوی دولت ایتالیا به تصدیق رسیده، و بدینسان موقعیت او در مقام قونسول ایران رسمیت یافته است. متأسفانه، باید گفت که از عملکرد این قونسول، طی سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۹ ق. ۱۹۰۲-۱۹۱۱، در قالب اسناد اداری، گزارش‌های به‌هم پیوسته‌ای وجود ندارد تا بتوان سالشمار دقیقی از فعالیتهای او ارائه داد. از این رو، بسیاری از اتفاقاتی که در فرایند مسئولیت اداری کاستالدی به‌وقوع پیوسته برای ما روشن نیست. به‌عنوان مثال، در مدارک آرشیوی وزارت امور خارجه و یا سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران هیچ‌نوع سندی از اقدامات و مکاتبات کاستالدی طی سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۲ ق. ۱۹۰۲-۱۹۰۴ به ثبت نرسیده است، و همین وضعیت در خصوص سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۷ ق. ۱۹۰۷-۱۹۰۹ نیز صدق می‌کند. از سوی دیگر، مدارک مرتبط با سالهای مذکور، معدود و انگشت‌شمارند و بر پایه آنها تنها می‌توان بخشی از فعالیتهای وی را انعکاس داد.

از این نگاه، نخستین سندی که به سال ۱۳۲۳ ق. ۱۹۰۵ مربوط می‌شود، سوادنامه کوتاهی است که نصرالله خان مشیرالدوله، در ششم رجب، به شماره ۴۰۶، برای مسیو نوز^۱ بلژیکی، رئیس اداره گمرکات ایران، ارسال نموده است. او، در این نامه، نوشته است که «دکتر کاستالدی قونسول دولت علییه مقیم میلان ایطالی مطالبه قسط دوم حقوق خود را از وزارت امور خارجه نموده است. سواد کاغذ مشارالیه را لفا ایفاد داشت که هرطور مقتضی است بنویسید تا جواب داده شود» (استادوخ: ۱-۳-۱۰-۱۳۲۳). متأسفانه، باید گفت که از نتایج بررسی و اقدامات مسیو نوز هیچ‌نوع اطلاعی در دست نیست، اما از مقایسه محتوای نامه مشیرالدوله با نامه اتابک اعظم، که شرح آن پیش از این آمد، چنین به نظر می‌رسد که ظاهراً بعد از صدور فرمان اعتبارنامه، در نحوه پرداخت مواجب سالیانه کاستالدی تغییری روی داده است. این تغییر، بدین معناست که کاستالدی مستقیماً مقرری خود را از سفارت ایران در روم دریافت نمی‌کرده، بلکه پس از مکاتبه مستقیم او با وزیر امور خارجه و سپس تأمین اعتبار، از جانب اداره گمرکات ایران، قابل پرداخت بوده است.

کاستالدی نماینده دولت ایران در نمایشگاه بین‌المللی کالا در میلان

تاریخچه حضور رسمی دولت قاجار در نمایشگاه‌های بین‌المللی کالا، که اغلب در کشورهای

I. J. Naus



اروپایی برگزار می‌گردید، به‌درستی معلوم نیست. اما شواهدی وجود دارد که در چنین شرایطی، گاه بازرگانان ایرانی، که عموماً ارمنی بودند، مستقیماً با مدیریت این نمایشگاه‌ها مذاکره نموده، و پس از انعقاد قرارداد، موفق به ایجاد غرفه مستقلی جهت ارائه تولیدات و محصولات ایرانی می‌شدند. از محتوای یک سند تاریخی، که از جانب مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران، احتمالاً در ماه شوال ۱۳۲۳/۱۹۰۵، به مظفرالدین‌شاه قاجار نوشته شده، چنین استفاده می‌شود که ظاهراً نخستین حضور رسمی دولت ایران در نمایشگاه بین‌المللی کالا، در میلان و در سال ۱۳۲۴ ق. ۱۹۰۶ اتفاق افتاده، که بنابر دعوت رسمی دولت ایتالیا انجام گرفته است. از طرف دیگر، مطابق همان سند، پادشاه قاجار به جهت این حضور رسمی، سایر تجار ایرانی را برای شرکت مستقل در این نمایشگاه، قدغن اعلام نموده، و مهمتر آنکه دکتر لویی کاستالدی را به‌عنوان نماینده رسمی ایران در آن نمایشگاه معرفی و مأمور کرده است (استادوخ: ۱۹-۱۶-۲۴-۱۳۲۳).^۱

بی‌شک، حسن انجام مأموریت کاستالدی در این نمایشگاه در گرو تأمین مخارج آن از جانب دولت ایران بود. از این رو، چنان‌که مشیرالدوله در نامه خود یادآور شده است، به پیشنهاد ملکم خان نظام‌الدوله، مخارج این نمایشگاه دو هزار تومان برآورد گردید که به مظفرالدین‌شاه پیشنهاد داده شد، و پادشاه نیز با این مبلغ موافقت نموده، و در توشیح خود بر هاشم همان سند چنین نوشته است: «جناب اشرف اتابک اعظم این دو هزار تومان را برات صادر نمایند که به مصارف اکسپوزیسیون میلان برسد. شهر شوال ۱۳۲۳ (امضاء)» (استادوخ: ۱۹-۱۶-۲۴-۱۳۲۳). مشیرالدوله نیز پس از دریافت دستخط پادشاه در ۱۵ شوال ۱۳۲۳، یادداشتی را، به شماره ۷۴، برای مشاورالدوله^۲ ارسال می‌کند و از وی می‌خواهد که چون «برای مخارج مأموریت مسیو کاستالدی در اکسپوزیسیون میلان بر حسب دستخط جهان مطاع مبارک ملوکانه مبلغ دو هزار تومان مرحمت گردید قدغن ننمائید برات آن را صادر نمایند...» (نصرالله مشیرالدوله)، (استادوخ: ۲۶-۱۶-۲۴-۱۳۲۳).

ملکم خان، که در آن تاریخ هنوز از دستور پادشاه مطلع نشده بود، به وزارت خارجه تلگرافی را ارسال نموده و موضوع را پیگیری می‌کند. متن تلگراف وی چنین است: «کاستالدی منتظر است که مثل سایرین مخارج بدهد. جواب صریح چیست. ملکم». مشیرالدوله نیز در ذیل همان تلگراف دستور می‌دهد که به ملکم خان نظام‌الدوله و سفارت روم اطلاع دهید که پادشاه با پرداخت مخارج مأموریت کاستالدی موافقت کرده است (استادوخ: ۱۴-۱۶-۲۴-۱۳۲۳). از سوی دیگر، نامه‌ای به شماره ۹۳۳، در ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۳، برای ملکم خان ارسال نموده و مجدداً مراتب فوق را یادآور شده است (استادوخ: ۲-۳-۱۰-۱۳۲۳). مطابق نامه‌ای که سفیر ایتالیا، در تهران، برای محمد علی علاءالسلطنه، وزیر امور خارجه

۱. مشخصات سربرگ نامه: وزارت امور خارجه، اداره تحریرات ایطالی، بدون تاریخ و نمره، فهرست عرض وزارت خارجه.

۲. مشاورالدوله لقب میرزا عباس خان مهندس باشی بود. او مدتی عضو هیئت مشاوران وزیر امور خارجه بوده است (ممتحن‌الدوله، ۱۳۴۵، ص ۱۷۵).

جدید ایران، پس از پایان یافتن فعالیت‌های نمایندگی، در ۸ ژانویه ۱۹۰۷ به شماره ۲/۴ فرستاده، و موضوع آن ارائه یک گزارش کوتاه از عملکرد آن نمایندگی است، چنین استفاده می‌شود که کاستالدی، پس از انجام هماهنگی‌هایی که در بالا به آن اشاره شد، سرانجام، به‌عنوان نماینده دولت ایران در نمایندگی میلان شرکت نموده، و بعد از گفت‌وگو با اعضای مجلس عمومی نمایندگی، در خصوص تشکیل غرفه کالاها و محصولات ایران، قرارداد لازم را منعقد می‌نماید. اما از آنجا که این اقدامات، همزمان با افتتاح نمایندگی انجام گرفت، دیگر فرصتی برای ایجاد و راه‌اندازی غرفه کالاهای ایرانی باقی نماند. از این رو، کاستالدی با دو تاجر به نام‌های تیگران خان^۱ و مسیو سیفیکو^۲، که به‌نظر می‌رسد مشترکاً غرفه‌ای جهت ارائه کالاهای ایرانی و شرقی دایر نموده بودند وارد گفت‌وگو شده و در نتیجه، آنها بدون هیچ پیش شرطی می‌پذیرند که غرفه خود را محل رسمی نمایندگی دولت ایران قرار دهند، و بدین طریق «... سبب شد که اکسپزیسیون رسمی ایران انعقاد یافته بدون همراهی دولت علیه ایران، و بدین مناسبات در بهترین حالی که قبلاً مسیو سیفیکو تعیین نموده بود امته ایران به معرض نمایش درآمد...» و در پایان نیز از سوی ریاست آن نمایندگی «یک دیپلم سزاواری و لیاقت برای بندگان اعلی حضرت همایون اعلی» و نیز دو مدال طلا به تیگران خان و سیفیکو اهداء شد (استادوخ: ۳ و ۱۱-۱۶-۲۴-۱۳۲۳).

علاوه بر مطلب فوق، گزارش ارسالی سفیر ایتالیا حکایت از آن دارد که کاستالدی و یا سفارت ایران در روم هیچ مبلغی از کل اعتباری که پادشاه قاجار تأمین نموده بود در اختیار مسئولان نمایندگی و یا آن دو بازرگان قرار نداده‌اند. سفیر، آشکارا در این باره نوشته است که «... ملاحظه این مطلب خالی از اهمیت نیست که یا مسیو سیفیکو و یا مسیو تیگران خان یا اینکه هر دو مسلماً حقوقی را که از بابت حق‌الارض و غیره، که متعلق به مصارف این کار بوده است از خودشان داده‌اند و مجلس اکسپزیسیون به‌هیچ‌وجه من‌الوجه اطلاعی از چهار هزار تومان که دولت علیه در این باب داده است و کمیسر دولت علیه از مبلغ مزبور اطلاعاتی نتوانسته بدهند زیرا که این مبلغ به او واصل نشده است» (استادوخ: ۳ و ۱۱-۱۶-۲۴-۱۳۲۳).

صرف‌نظر از گزارش سفیر، در خصوص کل اعتبار مأموریت کاستالدی در این نمایندگی، که به‌نظر صحیح نمی‌رسد- زیرا دستخط مظفرالدین‌شاه و سایر دستورات و مدارکی که در فوق به آن اشاره شد این ادعا را تأیید نمی‌کند- سفیر ایتالیا در ادامه همان‌نامه، از وزیر خارجه ایران خواسته است که این موضوع بررسی شود که اگر دولت ایران این مبلغ را به‌عنوان مساعده در اختیار نمایندگی قرار داده، باید و ضروری است که به مجلس نمایندگی بین‌المللی میلان داده شود؛ و اگر برای تأمین مخارج محل نمایش کالاهای ایرانی بوده است، در این صورت دولت ایران بداند که بازرگانان مورد اشاره تمامی هزینه‌های آن را شخصاً پرداخت

1. Tigrane Khan

2. Sifco

کرده، و هرگز از جانب نماینده رسمی دولت ایران از آن اعتبار مبلغی به نامبردگان پرداخت نشده است، بنابراین، باید دولت ایران از عوامل ذیربط بخواهد که آن مبلغ را به خزانه کشور عودت دهند، و در انتها نیز از وزیر خارجه ایران خواسته است که نتایج این بررسی را کتباً به سفارت ایتالیا ارسال نموده تا در اختیار مجلس نمایندگان میلان قرار داده شود (استادوخ: ۳ و ۱۱-۱۶-۲۴-۱۳۲۳).^۱

علاء السلطنه، که تنها در فاصله کوتاهی بین سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ق. ۱۹۰۶-۱۹۰۷، وزیر امور خارجه ایران بود، پس از اطلاع از محتوای نامه، در صدد بررسی مسائل مطرح شده برآمد. بر همین اساس، نام‌های همراه با نامه سفیر ایتالیا برای میرزا نصرالله خان مشیرالدوله - که از دهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۴/۱۹۰۶، بعد از عزل عین‌الدوله و به دنبال اعلام فرمان مشروطیت، نخستین صدر اعظم جدید ایران شده بود- فرستاد؛ و بدین طریق، از صدر اعظم ایران، که کاملاً از پیشینه این نوع مکاتبات اطلاع داشت، کسب تکلیف نمود. اصل و سواد این نامه با تاریخ پنجم شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۲۴ و نمره ۱۰۰۱، در مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران موجود است. متن نامه بدین شرح است:

«قربانت شوم، در سنه ماضیه در موقع انعقاد اکسپوزیسیون میلان دولت ایتالی از دولت علیه دعوت نمود که مأموری به آنجا بفرستد. این دعوت را دولت علیه قبول و دکتر کاستالدی قونسول ایران در میلان مأمور این کار شده، و مبلغ چهار هزار تومان برای اخراجات معین و برای جناب اشرف نظام‌الدوله ارسال گردید، و تلگرافاً وصول آن را در شهر ربیع‌الاول ۱۳۲۴ به وزارت خارجه اطلاع دادند. اکنون مراسله‌ای از سفارت ایتالی نوشته‌اند که دو نفر از تجار موسوم به تگران خان و مسیو سیفیکو که قبل از اقدام دولت در اکسپوزیسیون مزبور امتعه خود را نمایش داده بودند، قبول کردند که محل خود را در اکسپوزیسیون به اسم سکيون ایران موسوم نمایند، و خود آنها قبل از وقت، آنچه مخارج راجع به این کار است متحمل شده بودند، و از این چهار هزار تومان دیناری به آنها نرسیده است. الحال، سفارت ایتالی بنابر اظهار انجمن اکسپوزیسیون به موجب مراسله جوف تحقیق می‌نماید که مبلغ مزبور برای مخارج کلیه اکسپوزیسیون مرحمت شده بود یا مخصوص سکيون ایران بوده است. در صورت اول این وجه باید به انجمن مزبور برسد، و الا باید به خزانه دولت علیه مسترد شود. سفارت ایتالی منتظر تعیین تکلیف است که جواب مراسله اکسپوزیسیون را بنویسد. زیاده عرضی ندارد.

محمد علی علاء السلطنه» (استادوخ: ۱۰-۱۶-۲۴-۱۳۲۳؛ ۳۰-۱۶-۲۴-۱۳۲۳).^۲

آنچه مسلم است، این نامه همراه با ضمایم آن در تاریخ ۴ ذیحجه ۱۳۲۴، به دفتر مخصوص صدر اعظم وارد و به شماره ۴۰۱ ثبت شده است (استادوخ: ۱۱-۱۶-۲۴-۱۳۲۳)؛ اما از اقدامات و پاسخی که مشیرالدوله به وزیر خارجه داده هیچ نوع مدرک و نشانی در

۱. اصل نامه سفیر ایتالیا به زبان فرانسه است و در اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه به شماره ۱۱۹۲، ۱۱ و ۱۱، ۱۱-۱۶-۲۴-۱۳۲۳ و در ذیل اسناد سال ۱۳۲۳ ثبت و نگاهداری می‌شود. ترجمه فارسی این نامه نیز در ادامه همان شماره (۱۱۹۳) ثبت شده است. با توجه به تاریخ سند (۱۳۲۴ ق.) که دقیق‌تر است در کتابنامه مقاله حاضر سند مذکور در مجموعه اسناد ۱۳۲۴ ق. معرفی شده است. گفتنی است که این نامه مطابق نشان مهر ثبتی در تاریخ ۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۴، به شماره ۶۲ ثبت و وارد کابینه وزارت خارجه شده است.

۲. این دو سند در اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه در ذیل سال ۱۳۲۳ ق. آمده که صحیح فی‌الجمله در حالی که هر دو سند دارای تاریخ پنج ذیقعدة الحرام ۱۳۲۴ می‌باشند. در بخش کتابنامه مقاله حاضر دو سند مذکور در ذیل سال ۱۳۲۴ ق. معرفی شده‌اند.

جایی ثبت نشده است. بنابراین، مسائلی نظیر چگونگی هزینه شدن اعتبارات نمایشگاه از جانب کاستالدی و یا سفارت ایران در روم، و نیز تفاوتی که در رقم این اعتبار در مکاتبات آمده، مبهم و تاریک باقی می‌ماند. شاید فقدان نشانه‌های مرتبط با این موضوع را بتوان تا اندازه‌ای متأثر از شرایط داخلی ایران، پس از مرگ مظفرالدین‌شاه (۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۴)، و آغاز پادشاهی محمدعلی شاه دانست. همچنین، جابه‌جایی‌ها و تغییرات متعدد و مکرری که در مناصب صدراعظمی و وزارت امور خارجه در فاصله‌ای کوتاه اتفاق افتاد، سبب گردید تا مسائل مطروحه پیگیری و جدی گرفته نشود. چنانکه، در زمان سلطنت محمدعلی شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق. / ۱۹۰۶-۱۹۰۹) و بعد از آنکه مشیرالدوله در محرم ۱۳۲۵ / ۱۹۰۷ از سمت صدراعظمی استعفا داد، کسانی همانند میرزا سلطان‌علیخان وزیرافخم، میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان (اتابک اعظم)، میرزا احمدخان مشیرالسلطنه، میرزا ابوالقاسم‌خان ناصرالملک، و میرزا حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی صدراعظم شدند؛ و یا آنکه در همان فاصله، کسانی همانند میرزا محمدعلیخان علاءالسلطنه، میرزا جوادخان سعدالدوله، میرزا حسن‌خان مشیرالدوله، و میرزا ابوالقاسم‌خان ناصرالملک همدانی به مقام وزارت امور خارجه ایران منصوب شدند. و باز شاید به‌همین دلیل است که در میان مدارک آرشیوی وزارت امور خارجه ایران و در فاصله سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۷ ق. / ۱۹۰۷-۱۹۰۹، از فعالیت‌های کاستالدی، به‌عنوان قونسول ایران در میلان، هیچ نوع سندی نمی‌توان یافت. اما بر خلاف آن سال‌ها، اسناد نسبتاً قابل توجهی از سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۲۹ ق. / ۱۹۱۰-۱۹۱۱ وجود دارد که همچنان از کاستالدی به‌عنوان قونسول رسمی ایران در میلان یاد می‌کند. این مدارک، که مجموعاً ۲۲ فقره را تشکیل می‌دهند، به‌لحاظ موضوعی، مبین پیگیری‌ها و اختلاف کاستالدی با دولت ایران در خصوص حقوق و مقرری معوقه او در سمت قونسولگری رسمی ایران در میلان است؛ همچنین، پیشنهاد دولت ایران به کاستالدی، جهت حضور در کنگره بیماری سل، در ایتالیا- به‌عنوان نماینده افتخاری ایران- که البته مورد قبول وی قرار نگرفته است. در اینجا به شرح و بررسی هر کدام پرداخته می‌شود:

کاستالدی و مدعیات حقوقی او

مکتوبات سال ۱۳۲۸ ق. / ۱۹۱۰

چنان‌که گفته شد، کاستالدی مطابق یک حکم رسمی از ربیع‌الثانی ۱۳۲۰، با مقرری سالیانه هفتصدتومان، به‌سمت قونسول ایران در میلان منصوب شد. آنچه مسلم است و از اسناد و مکاتبات مذکور استفاده می‌شود، او این مقرری را قبل از فرمان مشروطیت، به‌طور منظم، از اداره گمرک ایران دریافت می‌کرده است؛ اما، پس از آن واقعه و مرگ مظفرالدین‌شاه قطع شده

است. از این رو، کاستالدی به تکاپو افتاده و با ارسال نامه‌های متعدد به وزارت امور خارجه، خواستار رسیدگی به این موضوع می‌شود. مطابق یک سند که در زیر آمده است این را می‌دانیم که کاستالدی حداقل در فاصله سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۸ ق. ۱۹۰۶-۱۹۱۰، با ارسال دو نامه به وزارت خارجه ایران خواستار پرداخت حقوق معوقه خود، به میزان چهار سال و سه ماه شده است. و بر پایه همین سند، از طرف همان وزارتخانه، پاسخی با این مضمون برای او فرستاده شده که مقرری‌اش، در مقام قونسولگری، از سوی نخستین مجلس شورای ملی ایران که در سال ۱۳۲۴ ق. افتتاح شد قطع گردیده، و از سوی دیگر، وزارت خارجه ایران تنها یک‌سال از حقوق معوقه او را تأیید می‌نماید.

از این رو، کاستالدی، چون در مقام یک کارگزار وابسته به دولت ایران، در پیگیری‌های نخستین و مستقیم خود به نتیجه‌ای نرسیده بود، برای مطالبه حقوق خود، به‌عنوان تبعه ایتالیا، به سفیر آلمان در ایران- که در آن زمان کفالت امور اتباع دولت ایتالیا را بر عهده داشت- متوسل شده و از وی خواهان رسیدگی به این امر می‌شود. بر اساس این تقاضا، کوات، سفیر آلمان در تهران، در ۴ جمادی‌الاول ۱۲/۱۳۲۸ مه ۱۹۱۰، به وزیر امور خارجه وقت ایران نامه‌ای را ارسال نموده و با اشاره به موارد فوق خواستار رسیدگی و مساعدت در پرداخت حقوق پس‌افتاده کاستالدی شده است. متن این مراسله بدین شرح است:

«جناب مستطاب اجل امجد اسعد عالی دوستان استظهار مشفق مکرّم مهربان؛

با کمال افتخار توجه آن جناب مستطاب امجد اسعد عالی را عطف به اظهار مسیو کاستالدی می‌نماید: در سنه ۱۹۰۲ اعلیحضرت مغفور مبرور مظفرالدین شاه قاجار، مسیو کاستالدی را به سمت قنصلگری میلان به موجب فرمان پادشاهی مفتخر و انتساب نمودند، و حقوقی هم موازی با هفتصد تومان به جهت مصارف قنصلخانه برقرار نمودند که این مبلغ فقط به جهت اجاره‌خانه به مسیو کاستالدی داده می‌شده است. مقرری مسیو کاستالدی به ترتیب معین سه ماه به سه ماه [تا] سنه ۱۹۰۶ از اداره گمرک داده می‌شد، ولی از این تاریخ تا امروز پرداخت این مبلغ در عهده تعویق مانده، و هیچ داده نشده است. خود مسیو کاستالدی نظر به این تعویق دو مرتبه مستقیماً به وزارت جلیله امور خارجه اظهار شکایت نموده، ولی هیچ جواب مسکّتی به او داده نشده است. فقط در مقابل اظهارات مشارالیه از طرف وزارت جلیله امور خارجه گفته شده است که در موقع افتتاح پارلمان، ادی مقرری قنصلگری میلان منقطع شده است، و به جای چهار سال و سه ماه مقرری که مسیو کاستالدی مطالبه می‌نماید مطابق با جواب وزارت جلیله امور خارجه بیش از یکسال حق مقرری، مسیو کاستالدی ندارد. چون آن جناب مستطاب امجد اسعد عالی، معروف به سابقه این ترتیب هستند مسیو کاستالدی امضاء نموده است اخیراً اجاره‌نامه جدیدی به جهت قنصلگری، و مجبور است

1. A.Quadt

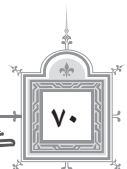
از اینکه اجاره این منزل را از تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۹ تا سپتامبر ۱۹۱۳ نظر به اجاره‌نامه‌ای که موجود است به موجر بپردازد، و اگر این اظهار وزارت جلیله امور خارجه راجع به انفصال حقوق قنصلخانه در میلان صحیح است چرا در آن موقع به شخص مسیو کاستالدی اطلاع نداده‌اند که مطابق حکم دولت مقرر قنصلخانه ایران در میلان منقطع و دیگر داده نخواهد شد. نظر به اظهارات سابق الذکر از این جناب به مستطاب عالی خواهشمند است که در این خصوص تدقیق و رسیدگی فرموده، امر و مقرر فرمایند که حقوق پس افتاده مسیو دکتر کاستالدی داده شود. به جهت اینکه خانه‌ای را که به اسم قنصلگری دولت علیه ایران اجاره نموده است در میلان بتواند اجاره عقب‌مانده او را بپردازد، و به مساعدت و همراهی آن جناب مستطاب عالی از این بی‌ترتیبی آسوده شده، راحت گردد. موقع را مغتنم شمرده احترامات خالصه را تمدید می‌نماید» (ساکما: ۱۵، ۱۴/۱۴۸۱/۰۰۴۴۸۱۰۰۳۶۰)¹.

در این نامه، به چند نکته اشاره شده که در خور توجه است. ابتدا، مسئله مقرر قنصلگری کاستالدی است که به استناد فرمان مظفرالدین‌شاه تأکید شده است که مقرر وضع شده تنها برای تأمین و پرداخت مصارف و اجاره قنصلخانه بوده و از این مبلغ چیزی به کاستالدی تعلق نمی‌گرفته است. اما این مطلب با مفاد فرمان اعتبارنامه کاستالدی، که پیش از این آورده شد، مطابقت نمی‌کند. زیرا در آن سند هرگز به مقرر سالیانه کاستالدی و همچنین نحوه هزینه کردن آن اشاره‌ای نشده است. از سوی دیگر، در دستخط اتابک اعظم به نصرالله‌خان مشیرالدوله نیز هرگز از هزینه مصارف قنصلخانه و یا اجاره آن سخنی به میان نیامده، بلکه تنها از مبلغ هفتصد تومان به‌عنوان مقرر سالیانه کاستالدی یاد شده است.

دوم اینکه، در نامه سفیر آلمان به دو مطلب پرداخته شده که در تناقض با یکدیگر قرار دارند. چنانکه از یکسو بیان می‌کند که از جانب وزارت امور خارجه به کاستالدی اطلاع داده شده است که «در موقع افتتاح پارلمان، ادی مقرر قنصلگری میلان منقطع شده است»، اما در جای دیگری اظهار می‌کند که چرا موضوع انفصال حقوق قنصلخانه در میلان به موقع به کاستالدی گزارش نشده است تا وی اجاره‌نامه‌چۀ جدیدی را در ۱۳۲۷ ق. / ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۹ برای مدت چهار سال امضا نکند. این موارد بر این واقعیت دلالت دارد که سفیر آلمان، چنانکه خود در آغاز نامه یادآور شده، آن را بنابر اظهارات کاستالدی تنظیم نموده، و دلیلی ندیده است که پیش از ارسال آن درباره پیشینه مکاتبات اداری و صحت و سقم گفته‌های کاستالدی بررسی و تأملی داشته باشد.

نامه سفیر آلمان در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۸ / ۱۹۱۰ وارد کابینه وزارت امور خارجه ایران شده و میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه، که در آن زمان سمت وزارت خارجه را بر عهده داشت، پس از اطلاع از محتوای آن، در تاریخ چهاردهم همان ماه، با ارسال نامه‌ای،

۱. اصل نامه به زبان فرانسه است و ترجمه فارسی آن نیز در پیوست همان نامه می‌باشد. این سند دارای دو نشان مهر ثبتی است. مهر نخست: ورود به کابینه وزارت خارجه، به تاریخ ۱۱ شهر جمادی الاول ۱۳۲۸. مهر دوم: دفتر وزارت امور خارجه، نمره ۵.



به شماره ۱۲۱۶۹، جهت بررسی و تحقیق به اداره محاسبات وزارت خارجه چنین نوشته است: «دکتر کاستالدی قونسول افتخاری دولت علیه در میلان (ایتالی) اظهار می دارد که در سنه ۱۳۲۳ مبلغ هفتصد تومان به موجب فرمان از بابت کرایه قونسولگری در حق او برقرار گردیده، و تا سنه ۱۳۲۴ مبلغ مزبور را به اقساط از اداره گمرک دریافت داشته، و از آن تاریخ بقیه را مطالبه می نماید، و حالا به او اظهار شده است که در سنه قوی ثیل هم این مبلغ را مجلس شورای ملی مقطوع نموده، لازم است اداره محاسبات بعضی تحقیقات در این مسئله نموده اطلاع بدهند، اولاً رجوع به ثبت این فرمان نموده معلوم نمایند این مبلغ کی و به چه صیغه در حق دکتر کاستالدی برقرار شده. ثانیاً در سنه قوی ثیل که این هفتصد تومان را مجلس قطع نموده است قطع این حقوق را اداره محاسبات به مشارالیه اطلاع داده است یا خیر. ثالثاً از اداره گمرک تحقیق شود که تا سنه قوی ثیل که این مبلغ مقطوع شده چقدر طلب دکتر مومی الیه می شود که به او عاید نشده است» (استادوخ: ۵۲-۲-۱۸-۱۳۲۸)¹.

از نتایج بررسی اداره محاسبات گزارشی در دست نیست، اما علاءالسلطنه، یک روز بعد از آن تاریخ، یعنی ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۲۸، نامه‌ای به شماره ۱۲۲۵۹، همراه با سواد مراسله سفارت آلمان به وزیر مالیه ارسال می نماید که می توان آن را نتیجه تحقیقات همان اداره دانست. در واقع، این نامه نشان می دهد که برای وزیر خارجه ایران در صحت ادعای آن سفارتخانه و همچنین دکتر کاستالدی، که مطابق فرمان رسمی مظفرالدین شاه به سمت قونسول دولت ایران با مقرری هفتصد تومان منصوب شده است، هیچ جای تردیدی وجود ندارد. به همین دلیل، در این نامه، برخلاف حکم قبلی که به اداره محاسبات نوشته است، از کاستالدی دیگر به عنوان «قونسول افتخاری دولت علیه» نام نمی برد، بلکه او را در آن سمت، مستخدم رسمی دولت ایران می شناسد. با وجود این، متذکر شده است که مقرری هفتصد تومان در سال جهت «مصارف قونسولخانه» بوده که از این لحاظ نیز با نوشته سفیر و اظهارات کاستالدی مطابقت دارد. بدین معنا که این مقرری تنها تأمین کننده اجاره قونسولخانه بوده و از آن مبلغ هیچ وجهی به کاستالدی تعلق نمی گرفته است که البته پذیرفتن این موضوع کمی دشوار به نظر می رسد.

همچنین، علاءالسلطنه، در نامه خود، به این واقعیت هم اشاره دارد که موجب کاستالدی پس از افتتاح مجلس شورای ملی قطع گردیده، و تا تاریخ نامه مذکور هیچ مبلغی از طرف اداره گمرک به وی پرداخت نشده است. از این رو، ضمن آنکه به مدعیات او مبنی بر مطالبه حقوق چهار سال و سه ماه اشاره دارد، اما تنها عدم پرداخت حقوق یک سال را که مربوط به یونت ثیل (۱۳۲۴ق.) می گردید مورد تأیید وزارت خارجه بر شمرده، و مؤکد می سازد که پس از استعلام از اداره گمرک، لازم است که حقوق آن یک سال در وجه ایشان

۱. مشخصات کامل سربرگ نامه چنین است: وزارت امور خارجه، نمره کتاب ثبت ۱۲۱۶۹، کارتن ۱۸، دوسیه ۴، تاریخ خروج ۱۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸. مشخصات انتهای نامه: اسمعیل. سواد مطابق اصل است، محمدحسین.

۲. در جمادی الاولی ۱۳۲۸، محمد ولی خان سپهدار تنکابنی رئیس الوزرا بود، و در کابینه او، وزارت مالیه بر عهده میرزا حسن خان مستوفی الممالک قرار داشت (افشاری، ۱۳۸۳، صص ۱۱۳۲-۱۱۳۳).

حواله شود. علاء السلطنه آشکارا بیان می‌کند که به تعویق افتادن حقوق کاستالدی طی آن سال‌ها ناشی از قصور وزارت مالیه است. زیرا اگر آن مرکز پس از قطع حقوق کاستالدی توسط مجلس شورای ملی، بی فوت وقت موضوع را کتباً به وزارت خارجه اطلاع می‌داد، این وزارتخانه نیز برحسب وظیفه، به وی اعلام می‌نمود و بر همین اساس کاستالدی نیز در تمديد اجاره‌نامه‌چیه محل قونسولگری مختار می‌گردید. اما چون این روند انجام نگرفته است کاستالدی قرارداد اجاره‌نامه آن مکان را به نام قونسولگری دولت ایران مجدداً تمديد نموده، و حال با استناد بر فرمان اعتبارنامه خود، از وزارت خارجه ایران برای پرداخت مال الاجاره، حقوق سال‌های گذشته را مطالبه می‌کند. علاء السلطنه، برای حل این مسئله، سه راهکار به وزیر مالیه پیشنهاد می‌کند: ابتدا توسط اداره گمرک و وزارت مالیه بررسی شود و سپس نتایج آن به وزارت امور خارجه اعلام گردد؛ دوم، در صورت عدم حصول به نتیجه مطلوب، این موضوع در دستور کار مجلس وزرا قرار گیرد تا در مورد آن مذاکره و تصمیم‌گیری شود؛ و در نهایت اینکه، وزیر مالیه شخصاً مبلغی را تعیین نمایند تا به کاستالدی پرداخت شود و بدین نحو این موضوع خاتمه پیدا کند. علاء السلطنه در انتهای نامه یادآور شده است که اعلام هرگونه نتیجه‌ای از جانب وزیر مالیه، به او کمک خواهد کرد تا پاسخ سفیر آلمان و کفیل سفارت ایتالیا در ایران را تهیه و ارسال کند. متن کامل این نامه بدین شرح است:

«وزارت جلیله مالیه؛

دکتر کاستالدی ایتالیائی در سنه ۱۳۲۰ در هنگام مسافرت شاهنشاه مرحوم مظفرالدین شاه به فرنگستان به سمت قونسول دولت علیه در میلان منسوب و مبلغ هفتصد تومان مقرری به‌عنوان مصارف قونسولخانه در حقش برقرار گردید، و مبلغ مزبور را از قراری که اظهار می‌نماید الی ابتدای سنه ماضیه یونتئیل از اداره گمرک دریافت داشته تا در سنه قوی‌ئیل که این هفتصد تومان در مجلس شورای ملی مقطوع شد، ولی بایستی قطع این مقرری را در همان تاریخ وزارت جلیله مالیه به وزارت خارجه اطلاع داده باشد که از وزارت خارجه به مشارالیه اعلام شود. چون این اطلاع در آن موقع به مشارالیه داده نشده است این اوقات که دکتر کاستالدی به طهران آمده مطالبه چهار سال و سه ماه حقوق خود را یعنی از ابتدای سنه ماضیه یونتئیل الی کنون از وزارت خارجه می‌نماید، و می‌گوید چون قطع این حقوق در آن وقت به من اعلام نشده و بی خبر بوده‌ام منزلی برای محل قونسولگری اجاره نموده، و باید از این بابت مال الاجاره آن را که هم از سفارت آلمان کفیل امورات سفارت ایتالی، هم مراسله‌ای در این باب به وزارت خارجه نوشته، و مطالبه چهار سال و سه ماه حقوق مشارالیه را نموده‌اند که سواد آن را محض اطلاع آن وزارت جلیله لفاً ارسال می‌دارد. اولاً در باب حقوق یک‌ساله یونتئیل مشارالیه که گویا محلّ حرف نیست و باید داده شود پس از

تحقیق از اداره گمرک که این حقوق را می‌داده است حواله خواهند فرمود که به مشارالیه عاید گردد. و اما از بابت سنه قوی‌ئیل به بعد که مجلس قطع نموده چون قطع این حقوق به مشارالیه اعلام نشده است ناچار دکتر کاستالدی دست برداشته و به توسط سفارت مطالبه خود را تعقیب خواهد نمود. لازم است در این فقره هم از آن وزارت خانه محترمه امعان نظری شده، اگر محتاج به مذاکره‌ای در مجلس محترم وزراء می‌دانند که مذاکره فرموده اخذ رأی و نتیجه را به وزارت خارجه مرقوم خواهند فرمود که در جواب مراسله سفارت نوشته شود، و الاً قراری در باب تأدیه این وجه می‌فرمایند که به دکتر مومی‌الیه رسیده و قطع این گفتگو بشود» (ساکما: ۳/۱۳۵۵۵/۲۴۰۰).

این نامه و ضمائم آن، مطابق نشان مهر ثبت، که در حاشیه آن آمده، در تاریخ ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸ وارد کابینه وزارت مالیه شده و به نمره ۴۹۴۸ ثبت گردیده است. وزیر مالیه پس از اطلاع از محتوای نامه، یادداشتی به خط خود در سربرگ نخست نامه وزیر امور خارجه تحریر نموده، و سپس بیاض آن کتابت و در تاریخ ۲۰ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸ و با همان نمره برای وزیر امور خارجه فرستاده شده است. در این نامه، وزیر مالیه آشکارا بیان نموده است که در اعلام قطع حقوق و مقرری کاستالدی هیچ قصوری بر وزارت مالیه وارد نیست. زیرا این وزارتخانه تمامی اعتباراتی را که در قوی‌ئیل (۱۳۲۵ق.) قطع نموده در همان سال در کتابچه مخصوصی طبع و منتشر نموده است، و براساس آن، هر وزارتخانه می‌بایستی به آن رجوع می‌نمود و از اعتبارات قطع شده خود مطلع می‌گردید. لذا این غفلت متوجه وزارت امور خارجه بوده که به موقع به دکتر کاستالدی اطلاع نداده است. همچنین، او در این مکتوب، متذکر شده است که تأسیس قونسولگری، از طرف اشخاص در شهرهای مختلف که تعداد آنها هم بسیار زیاد است همواره داوطلبانه بوده، و هرگز از جانب دولت ایران حقوق و مواجهی به آنها پرداخت نمی‌شود. با وجود این، چون وزارت مالیه در این باره نمی‌تواند حکم قطعی صادر نماید وزارت خارجه مکلف است، ابتدا بررسی کند که آیا کاستالدی در شهر میلان به نام دولت ایران، عمارتی برای قونسولخانه اجاره کرده است، سپس تصمیمی را اتخاذ نماید که متضمن ضرر برای دولت ایران نبوده و نیز موضوع جهت بررسی و تصمیم‌گیری به مجلس شورای ملی ارجاع نشود. اصل نامه چنین است:

«وزارت جلیله امور خارجه؛

شرحی را که به نمره ۱۲۲۵۹، درخصوص دکتر کاستالدی ایتالیائی که در زمان مسافرت مرحوم مظفرالدین‌شاه به فرنگ به سمت قونسول دولت علیه در میلان منصوب گردیده، اظهار فرموده بودند که تا ابتدای سنه ماضیه یونت‌ئیل مقرری و مصارف قونسولخانه را در گمرک دریافت داشته، و در قوی‌ئیل که مقرری مزبور در مجلس مقدس قطع گردیده به

۱. مشخصات کامل سربرگ نامه
چنین است: وزارت امور خارجه، اداره
تحریرات ایتالی، مورخه ۱۵ شهر
جمادی‌الاولی ۱۳۲۸، نمره ۱۲۲۵۹.
انتهای نامه مهور به مهر بیضی
شکل است. عبارت مهر چنین است:
علاءالسلطنه، وزیر امور خارجه. اما
نامه از طرف وی امضاء شده است.
این سند در سازمان اسناد و کتابخانه
ملی ایران نگاه داری می‌شود. سواد این
سند در اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی
وزارت امور خارجه به شماره (استادوخ:
۱۳۲۸-۱۸-۲-۵۴) موجود است.
مشخصات کامل سربرگ نامه چنین
است: وزارت امور خارجه، نمره کتاب
ثبت ۱۲۲۵۹، کارتن ۱۸، دوسیه ۲،
تاریخ خروج ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸.
مشخصات انتهایی نامه: از طرف وزیر
امور خارجه، اسمعیل، سواد مطابق
اصل است، محمدحسین، مشخصات
سواد مراسله سفارت آلمان کفیل
امورات سفارت ایتالیا که به همراه
نامه علاءالسلطنه برای وزیر مالیه
فرستاده شده بدین شرح است:
وزارت امور خارجه، اداره تحریرات
ایتالی، سواد مراسله سفارت آلمان کفیل
امورات سفارت ایتالی، مورخه ۱۲
مه ۱۹۱۰، نمره ---. مشخصات انتهایی
نامه: (کوات)، سواد مطابق اصل است،
محمدحسین، این سواد در سازمان
اسناد و کتابخانه ملی ایران نگاه داری
می‌شود (ساکما: ۱۲/۱۳۵۵۵/۲۴۰۰).
سربرگ دفتر ثبتی بدین شرح است:
دفتر وزارت خارجه، در باب از قرار
فرمان مرحوم مظفرالدین‌شاه مبلغ
هفتصد تومان به جهت مصارف
قونسولخانه به‌اجاره‌نامه کاستالدی
داده می‌شد خواهشمند است
مقرر شود حقوق پس افتاده
مشارالیه داده شود، از سفارت آلمان
به وزارت امور خارجه، به تاریخ ۱۱
جمادی‌الاولی ۱۳۲۸، نمره ۷۵۳۳، اصل
کاغذ در کارتن ۱۸، دوسیه ۲ د ش ضبط
است (ساکما: ۷/۴۴۸۱/۳۶۰۰).



ملاحظه اینکه وزارت مالیه به وزارت امور خارجه اعلام نمودند که در آن موقع به مسیو کاستالدی اطلاع داده شود؛ حالیه مشارالیه مطالبه کرایه خانه و چهار سال و سه ماه حقوق می کند ملاحظه نموده تفصیل را مشخص شده جواباً زحمت می دهد. اولاً اینکه مرقوم داشته اید در موقعی که مقرری مسیو کاستالدی در مجلس مقطوع شد باید وزارت مالیه به وزارت امور خارجه اطلاع داده باشد، وزارت مالیه مقطوعات قوی نیل را در کتابچه مخصوص طبع و منتشر نموده به اطلاع عمومی رسانده است. تکلیف هر وزارتخانه این بوده است که در خصوص هریک از مقطوعات راجعه به خود اقداماتی که لازم است بنماید. ثانیاً برای ختم این عمل عقیده وزارت مالیه این است که وزارت خارجه به توسط مأمورین خود کسب اطلاع نماید که آیا واقعاً دکتر کاستالدی عمارتی به عنوان قونسولخانه ایران اجاره کرده، و قونسولگری برای ایران در میلان دایر داشته است یا نه. آنچه معلوم است هزاران از این قونسولها در این قبیل شهرها فقط برای افتخار و حضور در مجالس رسمیه بدون مطالبه دیناری حقوق داوطلب می شوند، و هیچ وقت از دولت مطالبه حقوق نمی نمایند. بالجمله وزارت مالیه در این ماده رأی قطعی نمی تواند اظهار نماید. باید وزارت خارجه با غفلی که در اعلام این فقره به دکتر کاستالدی کرده است ترتیبی که کمتر متضمن ضرر دولت بوده، و حتی المقدور منجر به اظهار مجلس شورای ملی نشود، اتخاذ نموده به وزارت مالیه اطلاع بدهند» (ساکما: ۶، ۵، ۴/۱۳۵۵۵/۲۴۰۰)¹.

علاء السلطنه، پس از جمع آوری اطلاعات لازم از اداره محاسبات و وزارت مالیه، و پیرونامه مورخ ۱۲ مه ۱۹۱۰، طی نامه ای به سفارت آلمان، کفیل سفارت ایتالیا، در ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۸ به شماره ۷۵۳۲، نتایج بررسی و تحقیق خود را چنین گزارش داده است که «در جواب مراسله محترمه آن جناب جلالت مآب دوستان استظهاری مورخه ۱۲ مه ۱۹۱۰ دایر به مسئله حقوق دکتر کاستالدی قونسول افتخاری دولت علیه در میلان که در سنه ماضیه قوی نیل در مجلس شورای ملی مقطوع گردیده است با کمال احترام زحمت افزای خاطر مودت ذخایر می گردد که حقوق مشارالیه تا ابتدای سنه قوی نیل اگر مانده و به دکتر مومی الیه عاید نشده است دوستانار پس از تحقیق و تعیین مبلغ باقی مانده اقدامات مقتضیه را در وصول آن بعمل آورده، و نتیجه را بوسیله آتیه به اطلاع خاطر محترم عالی خواهد رسانید. و اما از ابتدای سنه ماضیه قوی نیل به این طرف که حقوق مشارالیه در مجلس شورا مقطوع گردیده است مشارالیه را حقی نخواهد بود. زیرا چنانچه بر خاطر آن جناب جلالت مآب دوستان استظهاری پوشیده نیست در سنه [...] نیل که بودجه مملکتی را تسویه نمودند میزان حقوقات مقطوعه محدود نبود که قطع آن به صاحبانش هریک جداگانه اعلام شود. بلکه تا یک اندازه عمومیت داشت و بالغ بر مبالغ خطیر بود که اولیای دولت در همان تاریخ محض اطلاع عموم در کتابچه مخصوص طبع و نشر نموده، و از جمله حقوق مقطوعی دکتر کاستالدی هم در

۱. سایر مشخصات سربرگ نامه چنین است: نمرة عمومی ۴۹۴۸، نمرة خصوصی ۶۴، کارتوزن ۵، دوسیه ۲. مشخصات انتهای نامه: عیسی، بر طبق یادداشت حضرت وزیر است.

ضمن همان کتابچه منظور شده،^۱ در این صورت به اقتضای حق گذاری که از شیم آن جناب جلالت مآب می‌باشد، بدیهی است عدم حقانیت مشارالیه را در این مورد تصدیق خواهند فرمود» (ساکما: ۱/۴۸۱/۳۶۰۰۰۴).

علاء السلطنه، همزمان با ارسال نامه فوق، به اداره محاسبات وزارت امور خارجه دستور می‌دهد که از اداره مرکزی گمرکات، میزان پرداختی و بستانکاری کاستالدی استعلام شود. بر همین اساس، در تاریخ ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۸، نامه کوتاهی، به شماره ۱۵۳۵۷/۲۶۵، با این عبارت ارسال شده است: «مقرری کاستالدی قونسول میلان را معین نمائید که اداره گمرک تا چه سال و چه میزان پرداخته و چقدر از بابت مقرری گذشته او باقی است صورت آن را مرقوم و به وزارت امور خارجه ارسال دارید که لازم است» (استادوخ: ۵۳-۲-۱۸-۱۳۲۸).

از واکنش سفارت آلمان به جوابیه‌های رسالی وزیر خارجه و همچنین گزارش رسالی اداره گمرک به وزارت خارجه شواهدی در جایی ثبت نشده است. از سوی دیگر، در مجموعه اسناد به دست آمده و در فاصله دقیقاً یکسال، یعنی از ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۸ تا ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۹، مکاتبه‌ای درباره مدعیات حقوقی کاستالدی، میان دستگاه‌های اجرایی و رسمی، انجام نگرفته است. به طوری که، به نظر می‌آید کاستالدی در برابر دلایلی که وزیر امور خارجه ایران در نامه خود به کفیل سفارت ایتالیا ارائه نموده، متقاعد شده، و شاید هم تلاش در این راه را بیهوده می‌پنداشته و دلیلی بر ادامه تکاپوهای خود ندیده است. اما ۶ سند که به سال ۱۳۲۹ ق. مربوط می‌شود و در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگاهداری می‌گردد، نه تنها فرضیات فوق را نقض می‌نماید، بلکه گواه بر آن دارند که کاستالدی در اهتمام خود جدی‌تر بوده، و طی یکسال مزبور با اراده قوی‌تری، از طریق نامه‌نگاری و گفت‌وگو با سفارت ایران در روم و وزارت امور خارجه، و همچنین سفارت ایتالیا در ایران، در صدد احقاق حقوق خود برآمده است. این نکته افزودنی است که خلأ و فقدان مدارک در فاصله زمانی مورد اشاره شاید تا اندازه‌ای به وضعیت داخلی وزارت امور خارجه ایران ارتباط پیدا کند. به طوری که در این مدت کوتاه، بعد از میرزا علی خان علاء السلطنه، چهار بار وزیران خارجه تغییر یافته‌اند، که می‌توان از میرزا ابراهیم خان معاون اللدوله، میرزا حسینقلی خان نواب، و میرزا حسن خان اسفندیاری (محتشم السلطنه) نام برد، و سرانجام نیز از رجب ۱۳۲۹/۱۹۱۱ میرزا حسن خان وثوق اللدوله به وزارت امور خارجه ایران منصوب شد و وزارت وی تا ۱۳۳۲ ق. ۱۹۱۳ ادامه یافت (رابینو، ۱۳۳۳، ص ۲۱۸). تمامی این مکاتبات در دوران وزارت وی انجام گرفته است که در زیر می‌آید:

۱. مکاتبات سال ۱۳۲۹ ق. ۱۹۱۱

نخستین سند، نامه سفیر ایران در روم، خطاب به وزارت امور خارجه است که در ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۹، به شماره ۳۷، تنظیم و ارسال شده است. سند فاقد نام نویسنده و مخاطب

۱. با وجود جست‌وجوهایی که برای به دست آوردن این کتابچه انجام گرفت، هیچ نشانی به دست نیامد. در مذاکرات دوره اول و دوم مجلس شورای ملی نیز هیچ مطلبی درخصوص مقطوعات وزارت امور خارجه درج نشده است. نگاه کنید به: مشروح مذاکرات مجالس، مذاکرات شورای ملی: www.ical.ir.

۲. مشخصات کامل سربرگ نامه چنین است: وزارت امور خارجه، نمره کتاب ثبت ۷۵۳۲، کارت ۱۸، دوسیه ۲، تاریخ خروج ۲۲ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸، ثبت مراسله وزارت امور خارجه به سفارت آلمان کفیل امور سفارت ایتالی. مشخصات انتهای نامه: ابراهیم. سواد مطابق اصل است، محمدحسین. سربرگ دفتر ثبتی بدین شرح است: دفتر وزارت خارجه، در باب حقوق دکتر کاستالدی میلان قونسول افتخاری که در سنه قوی نیل مقطوع گردیده و اگر سابقاً هم رسیده بعد از اقدامات آن سفارتخانه در نتیجه مشخص خواهد کرد، از وزارت خارجه، به سفارت آلمان، به تاریخ ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۸، نمره ۷۵۳۲، اصل کاغذ در کارت ۱۸ دوسیه ۲ در د و ش ضبط است (ساکما: ۱/۴۸۱/۳۶۰۰۰۴).

۳. مشخصات کامل سربرگ نامه چنین است: وزارت امور خارجه، نمره کتاب ثبت ۱۵۳۵۷/۲۶۵، کارت ۱۸، دوسیه ۲، تاریخ خروج ۲۲ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۸. ثبت کاغذ وزارت خارجه به اداره مرکزی گمرکات. مشخصات انتهای نامه: از طرف وزارت خارجه، اسمعیل. عبارت مهر بیضی شکل: وزارت امور خارجه، اداره محاسبات ۲۳.



است، اما با توجه به اینکه در سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۳۱ ق. ۱۹۰۹-۱۹۱۲ اسحاق خان مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در روم بوده (راینو، ۱۳۶۳، ص ۲۲۶)، قدر مسلم نامه مزبور توسط وی برای وثوق‌الدوله - که وزارت امور خارجه را بر عهده داشت - فرستاده شده است. در واقع، این سند مبین گفت‌وگویی است که میان کاستالدی و سفیر ایران در روم اتفاق افتاده، و بدین واسطه کاستالدی بار دیگر مدعیات خود را مبنی بر مطالبه مقررگی گذشته‌اش، که بالغ بر ۲۵ هزار فرانک می‌شده، مطرح ساخته است. با وجود آنکه کاستالدی در این ملاقات اظهار نموده که در سفر سال گذشته‌اش (۱۳۲۸ ق. ۱۹۱۰) به تهران از اقدام مجلس شورای ملی اطلاع یافته، اما وزارت امور خارجه را در اینکه به موقع و کتباً مسئله قطع حقوق قونسول میلان را اعلام ننموده، مقصر می‌شناسد. زیرا این قصور سبب شده تا او در همه این سال‌ها به عنوان مأمور رسمی دولت ایران با صرف هزینه از قبیل پرداخت اجاره، قونسولخانه را اداره کند. در حالی که، اگر او به موقع مطلع می‌شد، یا از ادامه مأموریت خود صرف نظر می‌کرد، و یا آنکه در مقام قونسول افتخاری به فعالیت‌های خود ادامه می‌داد. اما چون این روند اتفاق نیفتاده، بنابراین، او خود را محق این حقوق و مقررگی می‌شناسد و باید به وی پرداخت شود.

مفاد نامه نشان می‌دهد که کاستالدی برای نخستین بار با مراجعه به سفارتخانه ایران در روم به طرح دعاوی خود پرداخته است. از سوی دیگر، از گفته‌های سفیر ایران در این نامه، چنین استنباط می‌شود که وی جز از تصمیم گذشته مجلس در قطع حقوق کاستالدی، هرگز از سابقه شکایات و دعاوی او در وزارت امور خارجه ایران اطلاعی نداشته است. از این رو، در برابر طرح شکایات کاستالدی تنها وعده داده است که آن دعاوی را کتباً به وزیر امور خارجه گزارش داده، و نتیجه را پس از دریافت دستورالعمل وزیر به وی اعلام خواهد کرد.

اما صرف نظر از این مطلب، در انتهای این سند از شخص دیگری به نام دکتر ادکاک نام برده شده که ظاهراً شکایتی همانند کاستالدی داشته، و چون مفخم‌الدوله در زمان تدوین این نامه اطلاع یافته است که ادکاک، به عنوان قونسول ایران در فلورانس، برای طرح دعاوی خود به سفارت انگلیس در ایتالیا مراجعه نموده، موضوع را به وزارت خارجه ایران اطلاع داده است. ضمن آنکه به داوری در خصوص جایگاه حقوقی آن دو قونسول در نظام اداری ایران پرداخته و از ادکاک به عنوان مواجب بگیر و از کاستالدی به عنوان مقررگی بگیر دولت ایران یاد نموده است. متن کامل نامه بدین شرح است:

«دکتر کاستالدی قونسول دولت علیه در میلان در دو هفته قبل در رم نزد فدوی آمد، و شکایت از نرسیدن مقررگی خود کرده و می‌گفت، بیست و پنج هزار فرانک از این بابت از دولت علیه طلب کارم، و پار سال هم که در طهران بوده مراتب را به وزارت جلیله امور خارجه اظهار کرده است. بنده جواب دادم به نظرم حقوق شما را مجلس مقدس در موقع تعدیل

حقوق قطع کرده است. مشارالیه جواب داد در طهران هم این مطلب را به من نگفتند یا گفتند، ولی من جواب دادم اگر مقرری مرا قطع کرده بودند می‌بایست وزارت امور خارجه یا سفارت رسماً به من اطلاع بدهد، آن وقت یا من صرف‌نظر از مأموریت می‌کردم یا اینکه مأموریت افتخاری قبول می‌کردم. چون تا حال به من از وزارت خارجه یا سفارت اعلانی نشده من خودم را صاحب این مقرری می‌دانم، و در مقابل این مقرری مخارج کرده‌ام، مثل خانه برای قونسولگری و غیره. چون استنباط کردم بی‌میل نیست وزارت خارجه و سفارت ایتالی را مداخله بدهم و در صورت لزوم طرف نماید، جواب دادم مراتب را به طهران راپورت کرده، اگر جوابی رسید اطلاع می‌دهم. حالا هر قسم دستورالعمل مرحمت می‌فرمایند به مشارالیه جواب داده شود. آیا دکتر ادکاک هم این حال را دارد و به سفارت انگلیس مراجعه کرده، ولی به نظر من دکتر ادکاک مواجهی مشخص داشته نه مقرری است» (ساکما: ۱۰/۱۰۴۸۱/۳۶۰۰۰۴۸۱).

دومین سند، ترجمه عربی‌های است که کاستالدی در ۶ ژوئیه ۱۹۱۱، مستقیماً به وزیر امور خارجه ایران نوشته است. این نامه، که در ۳ شعبان ۱۳۲۹، در اداره کل محاسبات وزارت امور خارجه ایران به ثبت رسیده، نشان می‌دهد که مراجعه کاستالدی به سفارت ایران در روم سودی نداشته، و حداقل وزارت امور خارجه به نامه ارسالی سفیر ایران پاسخی نداده است تا به وی اطلاع داده شود. اصل نامه، به خط کاستالدی، و به زبان فرانسه است و بر روی سربرگ قونسولگری ایران در میلان نوشته شده، و از سوی دارالترجمه وزارت امور خارجه نیز به فارسی ترجمه شده است. این نامه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا از مجموع مکاتباتی که کاستالدی در خصوص مقرری خود با وزارت امور خارجه و یا سفارت ایران در روم داشته، تنها همین عربی‌ها باقی مانده است. افزون بر این، به واسطه این نامه، می‌توان پیشینه این ماجرا تا تاریخ نامه را دقیق تر جست و جو و رصد کرد. همچنین، این سند، آشکارا نشان می‌دهد که وزارت خارجه ایران پس از تقریباً شش سال و نیم، که از نخستین درخواست کاستالدی می‌گذشته است، برای جلوگیری از ادامه مکاتبات و خاتمه دادن به این موضوع نتوانسته جواب قاطع و روشنی را به مدعی ابلاغ و ارسال نماید. از این رو، کاستالدی در این نامه اتمام حجت کرده در صورتی که وزیر امور خارجه ایران به دعوی حقه او پاسخ قطعی ندهد به وسایل سیاسی و یا دولت متبوعش (ایتالیا) متوسل خواهد شد. حقوقی که برای او با فرمان مظفرالدین شاه در سمت قونسولگری میلان با مقرری سالیانه هفتصد تومان از بابت اجاره قونسولخانه وضع شد، و تنها برای سه سال و نیم، به اقساط سه ماهه، به وی پرداخت گردید، اما وزارت خارجه تمامی حقوق شش و نیم سال بعد از آن را بدون اطلاع او قطع نموده، درحالی‌که در همه آن سال‌ها از جیب خود مخارج دفتر قونسولگری و اجاره قونسولخانه را پرداخت کرده است. او که خود را مأمور رسمی دولت ایران می‌داند متذکر

۱. سایر مشخصات سربرگ سند چنین است: سفارت دولت علیّه ایران در روم. حاشیه سند: اداره دول غیر محاوره و اداره محاسبات، ۱۲ شهر رجب به کلاسه داده شد.



شده که ادامه این وضعیت برای وی قابل تحمل نبوده، و حال از وزیر امور خارجه انتظار دارد که تا تاریخ انقضای اجاره نامه قونسولخانه که ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۳ است، تمامی معوقه او پرداخت شود. متن کامل این نامه بدین شرح است:

«جناب وزیر امور خارجه؛

امضاکننده قبل از اینکه در کار خود به وسایل سیاسی یا وسایل دولت متبوعه خود متوسل شود به آن جناب اجل رجوع نموده، حالت مأموریت خود را که من بعد قابل تحمل نیست عرضه می‌دارد، و امیدوار است اظهارات و دعاوی حقه وی را دولت اعلی حضرت پادشاهی صحیح و بجا خواهند دانست. در سنه ۱۹۰۲ اعلی حضرت مظفرالدین شاه برای اینکه طبیب قدیم خود را که موقتاً برای علت مزاج بعد از بیست سال جراحی دربار مرخص شده بود باز داخل در خدمتی نمایند به موجب فرمان همایونی بنده را به سمت قنسولگری ایران در میلان (ایتالیا) معین نمودند با سالی هفتصد تومان مقرری از بابت اجاره قنسولخانه. این مبلغ به اقساط سه ماهه به توسط اداره صندوق تا شش سال و نیم قبل منظمأً به بنده می‌رسید. از آن زمان تا به حال ابداً قسطی پرداخته نشده، و هیچ خبری هم از جایی نرسیده است، با وجود اینکه چندین عریضه به وزرای مختار ایران در روم و به وزارت امور خارجه طهران عرض کردم. امضاکننده در ظرف این چند ساله از جیب خود تمام مخارج دفتر قنسولگری و کرایه قنسولخانه را پرداخته‌ام (چه مسلم است که اگر قنسول باید نماینده دولت ایران در میلان باشد اقلأً یک آپارتمان می‌خواهد). اینک خواهشمند است تتمه این حساب را تا ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۳ که موعد انقضای اجاره است، بپردازند.

امضاکننده جواب قطعی از طرف آن جناب تمنا نموده، خواهشمند است مراسم احترامات فایقه مرقبول فرمائید.

امضاء: دکتر ل. کاستالدی

جراح سابق اعلی حضرت شاهنشاهی و قنسول ایران در میلان»

(ساکما: ۱۹، ۱۸، ۱۱ / ۱۱، ۱۸، ۱۹، ۳۶۰۰۰۴۸۱).

کاستالدی، همزمان با ارسال نامه مزبور، به وثوق الدوله، دعاوی خود را از طریق سفارت دولت متبوعش در ایران دنبال کرد؛ و بر همین اساس، مونتاگنا، که نخستین سفیر مستقل ایتالیا در تهران بود، در تاریخ ۷ اوت ۱۹۱۱، با استناد بر آن دعاوی و همچنین نامه‌ای که علاءالسلطنه، در ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۸، به شماره ۷۵۳۲، برای سفارت آلمان، کفیل سفارت ایتالیا، ارسال کرده بود، نامه جدیدی را، به شماره ۷۱۴، خطاب به وثوق الدوله وزیر امور خارجه ایران ارسال می‌نماید. اصل نامه به زبان فرانسه است و پس از ورود به کابینه وزارت امور خارجه ایران توسط دارالترجمه همان وزارتخانه به فارسی ترجمه شده و هر دو سند به شماره ۳۹ در ۱۹ شعبان

I. G.C. Montagna



در اداره محاسبات به ثبت رسیده است. این نامه، به جهت ادبیات رایج اداری، با سایر نامه‌های ذکر شده کمی متفاوت است. در واقع، موتاگنا، محترمانه وزیر خارجه ایران را مورد انتقاد قرار می‌دهد که بر اساس وعده وزیر خارجه اسبق ایران، در نامه ۷۵۳۲، تاکنون سفارت ایتالیا نتیجه بررسی و جوهی را که باید به کاستالدی، قونسول ایران در میلان، برای کرایه قونسولخانه داده می‌شد، دریافت نکرده است. از این رو، نه تنها وثوق الدوله را متوجه این موضوع ساخته و از او می‌خواهد که گزارش مربوط را به سفارت ارسال کند، بلکه وزیر خارجه ایران را مکلف می‌سازد که برای سفیر ایتالیا مشخص کند که دقیقاً از چه تاریخی مجلس شورای ملی حقوقی را که بر اساس فرمان مظفرالدین شاه وضع شده بود، قطع نموده است؛ و دیگر اینکه، شایسته و لازم است رونوشتی از نسخه‌ای که حاوی رأی مجلس در خصوص مبلغی که سالیانه به کاستالدی داده می‌شده، برای سفیر ارسال شود. متن نامه چنین است:

«آقای وزیر؛

در یادداشت نمرة ۷۵۲۲ مورخه ۲۲ جمادی الاول ۱۹۱۰ وزارت امور خارجه، جناب کنت گواد را که آن وقت کفیل موقتی سفارت پادشاهی بودند اینطور مطلع نموده‌اند که پس از اینکه اطلاعات لازمه درباره و جهی که باید به مسیو کاستالدی قونسول اعلیحضرت پادشاه ایران در میلان برای کرایه قونسولگری داده شود بدست آید اقداماتی که در این خصوص می‌شود به اطلاع ایشان خواهد رساند. خلاصه خاطر عالی را متذکر می‌گردم که مراسله‌ای را که قبلاً در سال آن را اطلاع داده‌اند به هیچ وجه به سفارت نرسیده است. علیهذا خواهشمندم جواب مزبور را برای من ارسال فرمایند. در ضمن اینکه دوستدار برای خود حق می‌گذارد که به مفاد اصلی و لغوی یادداشت مزبور دولت شاهنشاهی رجوع نماید از جناب اجل متشکر خواهم شد که مسائل قبلی را به اطلاع این جانب برسانند. اولاً دوستدار را مطلع فرمایند که به طور صحیح از چه تاریخی پارلمان ایران حقوقی را که به موجب فرمان پادشاهی که در ۱۹۰۲ برای قونسول ایران در میلان تعیین شده، قطع نموده‌اند. ثانیاً یک سواد از نسخه که در یادداشت ۲۲ جمادی الاول، نمرة ۷۵۲۲ مندرج بوده، و ظاهراً حاوی رأی مجلس در خصوص و جهی که سالیانه باید به دکتر کاستالدی برای تأدیه کرایه منزل قونسولگری ایران در میلان داده شود، بوده است برای دوستدار ارسال فرماید» (موتاگنا)، (ساکما: ۱۷، ۱۶، ۳۶۰/۰۴۴۸۱).

سفیر ایتالیا بعد از تقریباً یک ماه و نیم که از تاریخ اولین نامه‌اش می‌گذشته است، مجدداً نامه‌ای را در ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱، به شماره ۹۳۹، برای وزیر امور خارجه ایران ارسال می‌کند. اصل این مراسله نیز به زبان فرانسه تنظیم شده که پس از ورود به وزارت امور خارجه ایران از سوی دارالترجمه به فارسی ترجمه و در تاریخ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹، به شماره ۱۵، در اداره

۱. این شماره نامه که در دو نامه دیگر سفیر ایتالیا تکرار شده صحیح نمی‌باشد. چنان که پیش از این در بند ۷ آورده شد، نامه ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۳۸ علاءالسلطنه در وزارت امور خارجه ایران به شماره ۷۵۳۲ ثبت شده است نه ۷۵۲۲.

مشخصات کامل سربرگ نامه چنین است: وزارت امور خارجه، اداره محاسبات، به تاریخ ۲۵ شهر صیام ۱۳۳۹، نمرة عمومی ۱۲۲۵۷، نمرة خصوصی ۱۰۲۷، کاترتن ۷، دوسیه ۱۶.

نوع: مسوده مراسله به سفارت ایتالیا، پاک‌نویس‌کننده امجد الممالک.

مشخصات انتهای نامه: مشار الملک.

کل محاسبات ثبت شده است. در واقع، مونتاگنا، چون از وزارت امور خارجه ایران در مقابل ارسال نخستین نامه خود هیچ جوابیه‌ای دریافت نکرده بود دومین نامه را با مشخصات فوق برای وثوق الدوله ارسال نموده است. از این رو، نامه مذکور، از لحاظ موارد مطرح شده هیچ تفاوتی با مراسله اولیه ندارد، جز آنکه سفیر ایتالیا، در انتهای نامه، متذکر شده است که جدیت او در این کار به دلیل توصیه‌ها و تعلیماتی است که از سوی دولت متبوعش صورت گرفته؛ بنابراین مجبور است که نامه‌های دیگری را تا حصول نتیجه، نوشته و ارسال کند. از طرف دیگر، این مطلب نشان می‌دهد که کاستالدی مطابق آنچه در آغاز عریضه خود به وثوق الدوله آورده، وعده خود را عملی ساخته، و برای رسیدن به حقوق خویش به وسایل سیاسی و دولت ایتالیا متوسل شده است. در این نامه آمده است که:

«آقای وزیر؛

با کمال احترام خاطر عالی را قرین استحضار می‌دارد که در مراسله نمره ۷۱۴ دستدار، مورخه ۷ اوت گذشته تاکنون یعنی مدت یک ماه [و] نیم است که بلاجواب مانده، و دستدار به موجب این مراسله از جناب اجل مطالب ذیل را خواهش کرده بودم:

(۱) اینکه در خصوص طلب دکتر کاستالدی قونسول دولت ایران در میلان که در یادداشت نمره ۷۵۲۲ مورخه ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۸ سابقاً اخطار فرموده بودید اقداماتی که بعمل آمده دستدار را از آن مطلع فرمایند.

(۲) اینکه دستدار را مبرت فرمایند که از چه تاریخی قطعاً پارلمان ایران حقوقی را که به موجب فرمان شاهنشاهی در سال ۱۹۰۲ قونسول میلان داده شده، مقطوع نموده است.

(۳) اینکه یک سواد از نسخه رأی مجلس در خصوص مبلغی که سالیانه به دکتر کاستالدی برای کرایه خانه جنرال قونسولگری ایران در میلان داده می‌شده، و در یادداشت ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۸ به نمره ۷۵۲۲ مذکور است برای دستدار لطفاً ارسال فرمایند.

امیدوارم که نظر به مراتب نزاکت پروری آن جناب جلالت مآب به این مراسله جدید جواب زودتر مرقوم خواهند فرمود. بعلاوه اینکه به دستدار در این خصوص از دولت متبوعه خود تعلیماتی رسیده است که مجبور به نوشتن مراسلات دیگر در این موضوع خواهم بود. مونتاگنا». (جواد). (ساکما: ۴، ۱۲/۸۱/۴۰۰۳۶).

قابل ذکر است که درخواست مونتاگنا در بند دوم نامه ۷۱۴ و بند سوم نامه فوق، با وجود آنکه به نامه علاء السلطنه استناد گردیده، با نوشته وزیر امور خارجه ایران مطابقت ندارد. در واقع، در نامه علاء السلطنه مستقیماً از رأی مجلس در خصوص حقوقی که باید سالیانه به کاستالدی پرداخت شود، صحبتی نشده است. بلکه فقط سخن از کتابچه مخصوصی است که معرف تسویه حساب بودجه کشور در سنه قوی نیل (۱۳۲۵) بوده که در آن حقوق‌های قطع

شده به صورت عمومی و بدون اشاره به نام شخص خاصی مورد اشاره قرار گرفته است. وثوق الدوله، در جوابیه خود به مونتگانا، که در تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۲۹، به شماره ۱۲۲۵۷-۱۰۲۷، و عطف به نامه ۷۱۴ فرستاده شده، شرح مجددی از چگونگی قطع حقوق کاستالدی را بیان داشته که از این جهت تفاوتی با پاسخ قبلی و کتبی علاءالسلطنه به نامه سفیر آلمان، کفیل امور سفارت ایتالیا ندارد. از سوی دیگر، این نامه گواهی می‌دهد که وزیر امور خارجه ایران، جوابیه نخستین نامه سفیر ایتالیا را ارسال نموده، اما سفیر مذکور چون آن جوابیه را تا تاریخ بیست و هشتم همان ماه دریافت نکرده، معترضان اقدام به نگارش نامه دوم خود نموده است. در مجموع، عین نامه وثوق الدوله چنین است: «در جواب مراسله آن جناب مورخه ۱۷ اوت ۱۹۱۱، نمره ۷۱۴ راجع به استعلامی که از بابت مقرری مسیو کاستالدی برای قونسولگری در میلان و چگونگی قطع شدن آن نموده بودید، احتراماً خاطر نشان می‌نماید که سالیانه مبلغ هفتصد تومان برای مقرری قونسولگری دولت علیه در میلان مقرر بود که به مسیو کاستالدی عاید می‌گردید، و این مبلغ تا ابتدای سال یونت ئیل ۱۳۲۴ مرتباً به توسط اداره گمرک تأدیه می‌شده است. در سال قوی ئیل ۱۳۲۵ این مبلغ از طرف مجلس شورای ملی قطع گردیده، فقط حقی که برای قونسول میلان باقی ماند راجع به مقرری یکساله یونت ئیل ۱۳۲۴ که سال قبل از قوی ئیل است، می‌باشد. اینکه در مراسله آن جناب اشعار شده است که مراسله جوابیه وزارت خارجه، مورخه ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۸ به آن سفارت نرسیده، اطلاعاً خاطر محترم را مستحضر می‌نماید که چون آن اوقات کفالت امورات سفارت ایتالیا با سفارت آلمان بود مراسله فوق‌الذکر در جواب مراسله سفارت آلمان نوشته شده است. اینک به قسمی که خواسته بودند سواد همان مراسله را برای اطلاع آن جناب لفاً ارسال و احترامات فایقه را تجدید می‌نمایم» (ساکما: ۱۳/۱۳۰۰۰۴۸۱/۳۶۰۰۰۰۰۰).

مقایسه این جوابیه با سه درخواستی که سفیر ایتالیا در دو نامه پیشین خود مطرح نموده، نشان می‌دهد که وثوق الدوله دلیلی ندیده است که جوابیه خود را مطابق با بندهای درخواستی سفیر تنظیم نماید، و یا آنکه در این خصوص بررسی دقیقتر و بیشتری انجام دهد. از این رو، تنها با استناد بر سابقه این پرونده، که در وزارت امور خارجه وجود داشته، جوابیه فوق را ارسال کرده است. سفیر ایتالیا نیز پس از دریافت و اطلاع از محتوای آن، نامه سومی را به اعتراض، در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱، به شماره ۹۵۹، به وزارت امور خارجه ارسال داشته که به تاریخ ۳ شوال ۱۳۲۹، در وزارت امور خارجه ایران ثبت شده است. مونتگانا، در نامه خود وزیر امور خارجه ایران را اینگونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «جناب وثوق الدوله وزیر امور خارجه، عطفاً بر یادداشت نمره ۱۲۲۵۷-۱۰۲۸، مورخه ۲۵ رمضان ۱۳۲۹، با کمال افتخار خاطر عالی را مستحضر می‌دارد که یادداشت مزبور به هیچ وجه مناسبتی نه با یادداشت نمره ۷۱۴ دوستاند مورخه ۷ اوت اخیر دارد، و نه با یادداشت نمره ۹۳۹ مورخه ۱۷ شهر حال

که در تأیید یادداشت اولی نوشته بودم. توضیح اینکه در طی دو یادداشت فوق از آن جناب خواهش کرده بودم: اولاً، اینکه نتیجه اقدامات راجع به کاستالدی قنصل ایران را در میلان که در ضمن یادداشت نمره ۷۵۲۲ مورخه ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۸ قبلاً اطلاع داده بودند به دوستدار ابلاغ فرمایند. ثانیاً، اینکه لطفاً کتابچه‌ای که در یادداشت نمره ۷۵۲۲ مورخه ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۸ ذکر شده و رأی مجلس را در خصوص مبلغی که سالیانه از بابت کرایه خانه قنصلگری ایران می‌بایستی پرداخته شود شامل بوده است برای دوستدار ارسال دارند. ثالثاً اینکه صمیمی دوستدار را مستحضر فرمائید مواعبی که در سنه ۱۹۰۲ در باره قنصل ایران در میلان برقرار شده بود مجلس در چه تاریخ قطع نمود.

وزارت جلیله امور خارجه عوض اینکه جواب مقتضیات دوستدار را بدهد:

نخست، اطلاعاتی که را که وعده داده بودند به استحضار دوستدار نرسانده، به جای آن سواد یادداشتی که دوستدار نوشته بودم برای دوستدار فرستاده‌اند. دوستدار هرگز این سواد را نخواست به‌واسطه اینکه یادداشت مزبور را خود دوستدار نوشته و طبیعی بود که می‌بایستی در دفاتر سفارت پادشاهی موجود باشد. و چون کار راجع به منافع ایتالیا بود دلیلی نداشت که سفارت آلمان آن را نگاه داشته باشد. ثانیاً، به همین قدر اکتفا کرده به دوستدار چیزی را که خود می‌دانستم اخطار نموده بودند، و الا اینکه موجب مزبور در سنه قوی‌نیل (۱۳۲۵) قطع شده، دیگر ابداً از ماه و روزی که آن موجب قطع شده اسمی نبرده بودند، و حال این که مقصود دوستدار از تاریخ صحیح همین بود. ثالثاً، نسخه کتابچه‌ای که می‌بایستی عین حکم قطع موجب را حاوی باشد و در یادداشت نمره ۷۵۲۲ مورخه ۲۲ جمادی الاولی اشارت فرموده بودند برای دوستدار فرستاده‌اند. بعد از این توضیحات جدید از نزاکت آن جناب متوقع جواب مطالبی که خواهش نموده‌ام مرحمت فرمایند.

مراسم احترامات فایقه... (امضاء: مونتگانا)، (ساکما: ۳، ۸، ۲، ۴، ۸، ۱۰، ۳۶) ۲.

این سند، آخرین گزارشی است که از فعالیت‌های سیاسی سفیر ایتالیا برای دفاع و بازگرداندن حقوق کاستالدی باقی مانده است. همچنین، دقیقاً معلوم نیست که وزارت امور خارجه ایران به این نامه چه پاسخ و واکنشی نشان داده است. اما به نظر نمی‌رسد که این مسئله بدین نحو خاتمه یافته باشد و سفارت ایتالیا و یا کاستالدی دست از تلاش‌های خود کشیده باشند. بی‌شک، باید در انتظار به‌دست آوردن مدارک جدیدی بود تا بتوان به درستی و واقع‌بینانه از فرجام مدعیات کاستالدی سخن گفت. در این مرحله، تنها امکان طرح حدسیات و فرضیاتی وجود دارد که اثبات هر کدام نیز مستلزم کشف مدارک جدیدی خواهد بود. از جمله مفروضاتی که قابل طرح و اشاره است اینکه شاید کاستالدی به دلیل بیماری و ضعف مزاج، چنان‌که خود در عریضه‌اش به آن پرداخته، در بعد از سال ۱۳۲۹ ق. ۱۹۱۱ از دنیا رفته

۱. در نامه اصلی و ترجمه فارسی آن، سنه قوی‌نیل (۱۳۲۸) آمده است. در حالی که آن سال برابر با ۱۳۲۵ ق. است. لذا اصلاح گردید.

۲. اصل نامه به زبان فرانسه است و دارای نشان یک مهر ثبتی بدین شرح است: ورود به کابینه وزارت امور خارجه ایران، به تاریخ ۳ شوال سنه ۱۳۲۹، نمره ۱۳۱۴۵. حاشیه: نمره ۴۹، ۳، شوال، اداره کل محاسبات. مشخصات ترجمه فارسی نامه: دارالترجمه وزارت امور خارجه، ترجمه مراسله سفارت ایتالیا نمره ۹۵۹ مورخه ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱. مشخصات مهر: دفتر اداره محاسبات وزارت امور خارجه، نمره ۴. ورود به دایره ترجمه ۲ شوال ۲۹. خروج از دایره ۳ شوال ۲۹. جواد.

است، و همین سبب شده است تا سفارت ایتالیا دیگر به تلاش‌های خود ادامه ندهد. و شاید وثوق‌الدوله، بنابر پیشنهاد وزارت مالیه که وزیر امور خارجه را در حل شکایت کاستالدی مختار می‌دانسته، با اتکاب بر درایت خویش به نحوی با کاستالدی تسویه حساب مالی نموده است. با این حال، گفتنی است که در آرشیو اسناد وزارت امور خارجه و یا سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، در اسنادی که مربوط به بعد از سال ۱۳۲۹ ق. / ۱۹۱۱ است، در جایی به نام کاستالدی در سمت قونسول ایران در میلان اشاره نشده است.

کاستالدی و رد پیشنهاد نمایندگی دولت ایران در کنگره بین‌المللی مرض سل و همایشگاه بین‌المللی حفظ‌الصحه در روم

در مجموعه اسناد سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۲۹ ق. / ۱۹۱۰-۱۹۱۱ تعداد هشت فقره سند وجود دارد که حداقل به همان تعداد به نام دکتر کاستالدی اشاره شده است. موضوع این اسناد چگونگی تعیین یک نماینده از طرف دولت ایران برای شرکت در کنگره بین‌المللی بیماری سل است که قرار بوده در سال ۱۳۲۹ ق. / ۱۹۱۱، در شهر روم ایتالیا تشکیل شود. نخستین سند، نامه‌ای است از طرف شخصی به نام دکتر ررژ^۱ که به وزیر داخله ایران^۲ در ۱۲ ذیحجه ۱۳۲۸ نوشته شده،^۳ و پیشنهاد داده است که چون در ایران پزشکی نیست که بپذیرد به‌عنوان نماینده افتخاری و مجاناً در آن کنگره شرکت کند، بهتر است که از طرف سفارت ایران در روم به دکتر کاستالدی و یا دکتر ادکاک که در همان کشور اقامت دارند این پیشنهاد داده شود، شاید که یکی از آنها قبول کند که بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی در خصوص تأمین مخارج آن، به‌عنوان نماینده دولت ایران در همان کنگره حضور پیدا کند (استادوخ: ۲۶-۱۱-۵۹-۱۳۲۹). وزارت داخله این پیشنهاد را به وزارت امور خارجه منتقل نموده، و وثوق‌الدوله نیز همان درخواست را طی نامه‌ای، به شماره ۹۸۹۱-۸۳۶ در مورخه ۲۲ ذی حجه ۱۳۲۸، به سفارت ایران در روم ارسال کرده، و از اسحاق خان مفخم‌الدوله، سفیر ایران می‌خواهد که در این خصوص با کاستالدی و ادکاک مذاکره و نتیجه را به وزارت خارجه اعلام نماید. اسحاق خان هم، پس از دریافت نامه از آن دو پزشک کتباً استعلام نموده، و نتیجه را طی نامه‌ای در مورخه ۵ صفر ۱۳۲۹ به نمره ۱۲۱، به وثوق‌الدوله چنین گزارش می‌دهد که؛ کاستالدی پاسخ نوشته است که «چون برای امور تجارتي یک تجارتخانه عازم ایران است ممکن نخواهد داشت در آن موقع حاضر شود»، و ادکاک نیز به دلیل آنکه دولت ایران حقوق وی را به‌موقع پرداخت نکرده است از پذیرش آن پیشنهاد عذرخواهی نموده است (استادوخ: ۳۶-۱۱-۵۹-۱۳۲۹).

تقریباً همزمان با این نوع مکاتبات، بنابر دعوت دولت ایتالیا در وزارت داخله ایران و دایره حفظ‌الصحه (بهداشت و درمان) تصمیم گرفته می‌شود که در نمایشگاهی که قرار بوده

۱. از شرح حال او مطلبی به دست نیامد

۲. در ذیحجه ۱۳۲۸ ق. میرزا حسن خان مستوفی الممالک رئیس الوزرا بود، و در کابینه او، عبدالمجید میرزا عین‌الدوله سمت وزارت داخله را به عهده داشت. این کابینه در ربیع الاول ۱۳۲۹ ق. استعفاء داد (افشاری، ۱۳۸۳، صص ۱۳۵-۱۳۶).

۳. مشخصات کامل سربرگ نامه چنین است: وزارت داخله، سواد ترجمه مراسله دکتر ررژ، مورخه ۱۲ ذیحجه مطابق ۲۳ قوس ۱۳۲۸. مشخصات انتهای نامه: سواد مطابق اصل است. علی...



است در شهر روم و در کنار کنگره بین‌المللی بیماری سل، به نام اکسپوزیسیون بین‌المللی حفظ‌الصحه تشکیل شود، از جانب دولت ایران نیز نماینده‌ای به صورت افتخاری و بدون مطالبه مخارج شرکت نماید. بر همین اساس، وزیر داخله ایران در یک نامه رسمی، به تاریخ ۹ صفر ۱۳۲۹ و شماره ۴۵۱۰۳/۳۶۴۱، موضوع را به وزارت خارجه اطلاع داده و همانند نامه پیشین، دکتر کاستالدی و ادکاک را برای این نمایندگی پیشنهاد داده است (استادوخ: ۷-۱۷-۵۹-۱۳۲۹). وثوق‌الدوله نیز مجدداً آن درخواست را به سفارت ایران در روم منتقل نموده و پاسخی که مفخم‌الدوله طی نامه شماره ۱۲۸ در ماه ربیع‌الاول ۱۳۲۹ به وی اعلام کرده، حاکی از آن است که بار دیگر آن دو پزشک از قبول آن مسئولیت عذر آورده‌اند (استادوخ: ۱۶-۱۱-۵۹-۱۳۲۹). او در نامه دیگری، به شماره ۱ و در تاریخ ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، متذکر شده است که در این مورد دو بار با کاستالدی مکاتبه نموده ولی او در هر دو بار، این مأموریت را رد کرده است (استادوخ: ۸-۱۷-۵۹-۱۳۲۹). بر همین اساس، وثوق‌الدوله نامه‌ای به شماره ۱۲ مورخ ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۹، خطاب به مجلس وزرای عظام نوشته و پیشنهاد می‌دهد که چون به مصلحت نیست نماینده ایران به موقع در کنگره و اکسپوزیسیون حاضر نشود، لذا نظر وزارت امور خارجه بر این است که دولت ایران مخارج مأموریت کاستالدی و ادکاک را تأمین نماید تا آن دو بتوانند در موعد مقرر در محافل مزبور شرکت پیدا کنند. اما مطابق یادداشتی که در حاشیه همان نامه آمده است، چنین می‌نماید که این پیشنهاد مورد موافقت مجلس وزرا قرار نگرفته، بلکه بنابر رأی رئیس‌الوزراء، اعلم‌الدوله، به عنوان نماینده رسمی ایران در کنگره و نمایشگاه بین‌المللی حفظ‌الصحه تعیین شده، و مخارج وی نیز تأمین گردید (استادوخ: ۳۸-۱۱-۵۹-۱۳۲۹). وثوق‌الدوله نیز با ارسال نامه‌ای، در مورخه ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ و شماره ۳۸۰۷-۳۲۰، انتخاب آقای اعلم‌الدوله را به سفیر ایران در روم اعلام نموده است (استادوخ: ۳۷-۱۱-۵۹-۱۳۲۹).

اما عجیب این است که پس از تاریخ فوق، وثوق‌الدوله نامه دیگری با دو تاریخ، یکی ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ در حاشیه، و دوم، غره جمادی‌الاولی همان سال، به شماره ۶۷۱۹-۶۵۶، خطاب به اسحاق خان مفخم‌الدوله نوشته است که «... اگرچه کاستالدی و ادکاک از قبول این پیشنهاد برای شرکت در کنگره و نمایشگاه طبی سرباز زده‌اند، اما مقتضی است بنابر صلاحدید خود فردی را تعیین کنید تا در آن دو محل حضور یابد (استادوخ: ۱۵-۱۱-۵۹-۱۳۲۹). این سند نشان می‌دهد که وثوق‌الدوله چندان هم با انتخاب اعلم‌الدوله موافق نبوده، و شاید به همین دلیل بوده است که به سفیر ایران در روم اختیار می‌دهد تا هرکسی را که دارای شایستگی بود انتخاب و راهی آن نمایشگاه و کنگره نماید. با وجود این، نمی‌دانیم که اسحاق خان پس از دریافت نامه چه تصمیمی اتخاذ نموده است. آنچه از این مدارک استنباط می‌شود این است که، اگرچه کاستالدی مسافرت تجاری

۱. پس از استعفای میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک در اوایل ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق. از مقام رئیس‌الوزرائی، محمد ولی خان سپهدار تنکابنی برای بار دوم رئیس‌الوزراء شد، و در ۱۲ ربیع‌الاول همان سال کابینه خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد (افشاری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰). بنابراین انتخاب اعلم‌الدوله از طرف وی صورت گرفته است.

به ایران را برای رد این درخواست بهانه قرار داد، تصور می‌رود که مهمترین دلیل او، همان اختلافش با وزارت امور خارجه- به واسطه عدم پرداخت شش سال و نیم حقوق معوقه وی در منصب قونسول رسمی ایران در میلان- بوده است.

نتیجه

نتیجه‌گیری علمی از موضوعی که گزارش‌های به‌هم‌پیوسته‌ای درباره آن وجود ندارد کار بسیار دشواری است و آنچه در این شرایط گفته شود تنها صورت و ارزش مقدماتی خواهد داشت، اما بی‌گمان با امید به کشف داده‌های جدید، می‌توان امکان جرح و تعدیل و یا تقویت این نوع نتایج را فراهم آورد. مطابق این عقیده، نتایج اولیه پژوهش حاضر، مبین آن است که فضا و شرایطی که در جامعه ایران، پس از تأسیس دارالفنون به‌وجود آمد، فرصت مناسبی فراهم ساخت تا برخی مهاجران اروپایی، همانند کاستالدی پیشرفت و ترقی خود را در ایران آزمایش و جست‌وجو کنند. دولتمردان ایرانی نیز از این حضور استقبال نمودند، چراکه آنان یکی از راه‌های آشنایی و تعلیم و ترویج دانش جدید غرب را در این موسسه نوپای آموزشی، به خدمت گرفتن همین مهاجران می‌دیدند. این نیاز دو سویه، نردبان ترقی کاستالدی را در ایران مهیا ساخت و او را از معلمی دارالفنون به مقام پزشک مخصوص دربار و در نهایت، نمایندگی دولت ایران در سمت قونسولی میلان ارتقا بخشید. چنین تصور می‌رود که دولت قاجار، قبل و بعد از مشروطیت، اگر امور قونسولی خود را چه در مقام افتخاری و چه رسمی، اغلب در خارج از ایران به بیگانگان واگذار می‌نمود بدین جهت بوده است که آنان وظایف خود را، به‌دلیل شناخت دقیقی که از زبان و فرهنگ و سرزمین خود داشتند آسان‌تر می‌توانستند انجام دهند. البته، برای بیگانگان نیز قبول آن مقام خالی از منفعت نبود، چنانکه با صدور روادید برای همه آن کسانی که به ایران آمد و شادی داشتند درآمدهای قابل توجهی حاصل می‌شد، و لذا به‌آسانی هم حاضر نبودند این موقعیت را از دست بدهند. نمونه مهم آن کاستالدی است که با وجود آگاهی از قطع حقوق سالیانه خود پس از مشروطیت و تلاش‌هایی که از طرق مختلف اداری و سیاسی برای احیا و اعاده مقررری‌ای که رسماً وضع شده بود انجام داد، هیچ‌گاه از مسئولیت قونسولی خود کناره‌گیری نکرد و تا آنجا که مدارک نشان می‌دهند تا شش سال و نیم بعد از آن، این موقعیت را در کشورش حفظ کرد. بی‌شک، کارگزاران وزارت خارجه و مالیه ایران از این نوع امتیازات و منافع آن برای کاستالدی مطلع بودند، و به‌همین دلیل در برابر دعاوی حقوقی او رأی مجلس مشروطه را بر فرمان مظفرالدین‌شاه ارجح و غیرقابل تغییر دانسته، و حداقل، بر اساس آخرین سندی که در این خصوص وجود دارد حاضر به پرداخت مطالبات گذشته وی نشدند.

